کارگران و زحمتکشان متحد شوید

کار

مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق‌ها

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۴۰ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | قیمت ۲۰ ریال

یکصدمین سال تولد استالین، رهبر کبیر حزب کمونیست شوروی را به پرولتاریای جهان، تبریک می‌گوئیم

"استالین" برای انقلابیون کمونیست جهان، نامی درخشان رهبری بزرگ و کمونیستی عمیقا وفادار به طبقه کارگر و آرمان سوسیالیسم است.

ما در شماره آینده به مناسبت بزرگداشت صدمین سالگرد تولد "ژوزف استالین" که با ساختمان نخستین کشور سوسیالیستی جهان پیوندی جدائی ناپذیر دارد، یاد خواهیم کرد.

ما و انتخابات ریاست جمهوری

شرکت یا عدم شرکت ما در انتخابات ریاست جمهوری، با توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صف بندی نیروها و وظایف کمونیست‌ها در شرایط کنونی تعیین خواهد شد.

همان گونه که مردم آگاه ومبارز ایران می دانند قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی از پیگیرترین نیروهای انقلابی یعنی نیروهائی که در سیاه‌ترین سال‌های دیکتاتوری شاه، پرچم دار مبارزه‌ای خونین علیه امپریالیسم امریکا و رژیم شاه بودند، حق انتخاب شدن در انتخابات ریاست جمهوری را سلب کرده است.

مطابق این قانون تیمسارهای ارتش شاه و آنهائی که خدمتگزار امپریالیسم امریکا بودند و از شاه تاج و نشان دریافت می‌کردند، می‌توانند کاندیدای ریاست جمهوری باشند و هیچ محدودیتی برای آنها وجود ندارد، اما

بقیه در صفحه ۴

در راهپیمائی شنبه ۸ دی ماه که علیه توطئه سرمایه داران لیبرال و در حمایت از ادامه افشاگری‌ها برگذار شد

مردم فریاد می زدند:

"افشای امریکائی باید ادامه یابد"

"خروش هر کارگر فریاد هر برزگر، مرگ بر سازشکار"

"خود مختاری خواسته خلق ایران، خودگردانی فریب سازشکاران"

در صفحه ۲

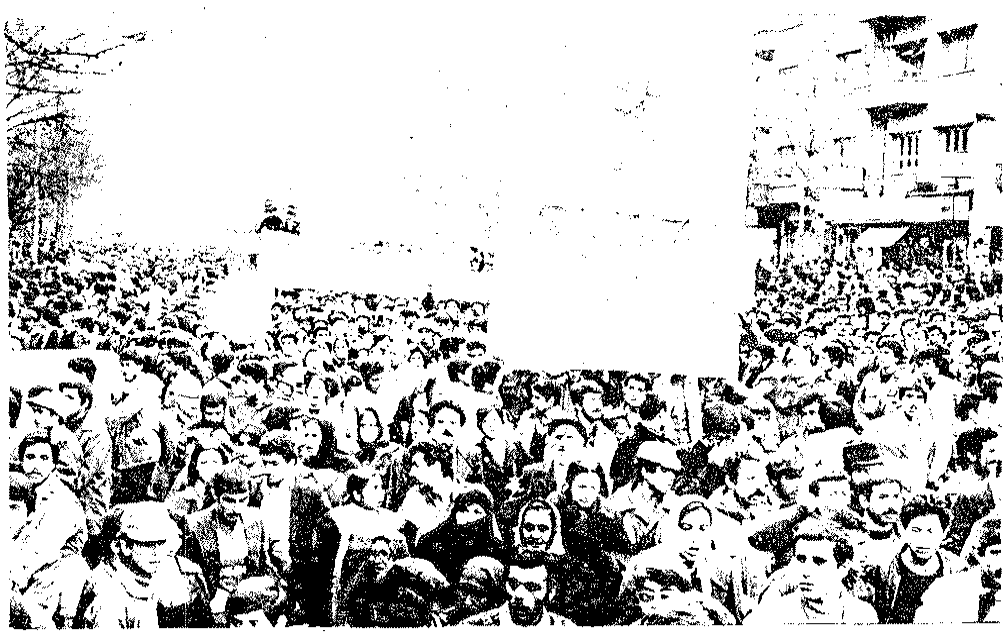

صف بندی طبقات ابعاد مشخص تری می یابد

به دنبال افشای جاسوسی امیر انتظام و افشاگری‌هایی که درباره بازرگان و شرکاء صورت گرفت سیاستمداران سورزوازی لیبرال دامنه مانور خود را افزایش دادند و توده‌ها در مسیر کسب تجارب سیاسی تازه‌ای قرار گرفتند. مبارزه ضدامپریالیستی عمق بیشتری یافت و ابعاد طبقاتی آن ابعاد مشخص تری پیدا کرد. شورای انقلاب برای این که مهار

بقیه در صفحه ۵

سرمقاله: ما، شورای انقلاب و تحولات اخیر افغانستان

پس از سرنگونی رژیم "داودخان" در افغانستان، خوانین، سران عشایر و فئودال‌ها که مورد پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان امپریالیسم امریکا و دولت‌های ارتجاعی منطقه بودند، با بهره برداری از عقب ماندگی توده‌ها در برخی ایالات افغانستان علیه دولت "تره کی" وارد عمل شدند.

عدم اتکای احزاب چپ به توده‌های وسیع دهقانان زحمتکش و عدم بسیج آنان علیه فئودال‌ها و امید آن احزاب به کسب و تحکیم قدرت از طریق کودتا از یک سو و دخالت ها و دسیسه‌های امپریالیسم امریکا و خوانین و سران مرتجع عشایر از سوی دیگر، باعث شده است که بخشی از دهقانان ناآگاه تحت تاثیر تبلیغات ارتجاع قرار گرفته و در جبهه فئودال ها قرار گیرند و علیه منافع تاریخی خود اقدام کنند.

نادیده گرفتن آموزش های انقلابی مارکسیسم ـ لنینیسم و تجارب خلق‌های پیروزمند جهان و در راس آن نمونه ویتنام قهرمان، در سیاست‌ها و مشی "حزب خلق" و "حزب پرچم" موجب شده است که طی دو دهه فعالیت آن‌ها و در شرایطی نسبتا مساعد و حتی چند سال پس از سرنگونی "داودخان" هنوز آگاهی خلق در حدی باشد که بسیاری از دهقانان زحمتکش و محروم افغانستان به خوانین مرتجع و سران عشایر اعتماد کرده و از تشکل لازم برخوردار نباشند. در نتیجه نیروهای ترقی‌خواه افغانستان در سرکوب فئودال‌ها و عوامل امپریالیسم امریکا که بخشی از دهقانان را به دنبال خود کشیده‌اند، ناتوان شدند و نتوانستند به نیروی مسلح توده دهقانان متکی گردند.

شاهد بودیم که فئودال‌ها و عوامل مستقیم امپریالیسم امریکا و حکومت پاکستان، و دوستان و متحدان ایرانی فئودال‌های افغان با تحریک احساسات مذهبی دهقانان و بهره برداری از ناآگاهی آنان بخشی از توده زحمتکش را به سوی خود کشیده‌اند.

حمایت مستقیم اتحاد شوروی از دولت جدید افغانستان واقعیتی متناقض را در خود دارد. این واقعیت از یک سو بیانگر آن است که اتحاد شوروی در برابر دسیسه فئودال‌ها و نیروهای ارتجاعی منطقه به دفاع از حکومتی برخاسته است که در جهت منافع توده مردم عمل می‌کند که به منافع تاریخی خود آگاه نیستند، و از سوی دیگر بیانگر شکست "حزب پرچم" در جلب اعتماد توده‌ها، شناسانیدن خود به آنها، تربیت و تشکل و تسلیح آنها و اتکا به نیروی آنهاست. این واقعیت نشان می‌دهد که "حزب پرچم" در طول حیات سیاسی خود پیش از آنکه به نفوذ در توده‌های دهقان افغان اندیشیده باشد، به نفوذ در ماشین حکومتی و تسخیر قدرت از طریق کودتا می‌اندیشیده است.

بقیه در صفحه ۴

مردم مبارز تهران!

برای گسترش مبارزات ضد امپریالیستی ـ دموکراتیک خلقمان در اجتماع شنبه ۱۵ دی ماه ساعت سه بعد از ظهر که بدعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در دانشگاه تهران برگذار میشود، شرکت کنید.

در این شماره:

تیمسار ارتش شاهنشاهی دریادار مدنی

کاندیدای ریاست جمهوری است — در صفحه ۲

دهقانان زحمتکش جلکون:

"زمیندار نابود است دهقان پیروز است" — در صفحه ۴

رابطه آموزش و پراتیک — در صفحه ۸

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمواوغلی (قسمت دوم)

«هرچه حیدرخان بگوید راست است» (ستارخان) — در صفحه ۷

نابود باد سرمایه داران لیبرال

کار
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول- شماره ۴۰ صفحه ۲

شورای کشاورزان سد وشمگیر را چه کسانی تشکیل می‌دهند

● دراین شورا زمین‌داران بزرگ به منظور توطئه علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا بسیج شده‌اند.

زمین‌داران ترکمن صحرا مانند گذشته دست به دسیسه‌چینی، جنگ‌افروزی وکشتار روستائیان می‌زنند، اخیراتحریکات این عناصرمنفورشدت گرفته‌است، آنها باایجاد هرج و مرج وآشوب وبا برخورداری ازحمایت کمیته‌های اسلامی منطقه درجهت سرکوب مبارزات دهقانان زحمتکش ترکمن‌صحرادست‌به‌توطئه‌می‌زنند، ودرصددند حقوق وثمرات مبارزات خلق‌ترکمن‌راپایمال سازند.

زمین‌داران‌می‌کوشنددوباره زمین‌های‌دهقانان‌راغصب کنند، آنهادرعین‌حال به تناسب اوضاع واحوال خودرامتشکل ساخته‌اندو زیر نام "شورای کشاورزان وشمگیر" تمامی زمین‌داران بزرگ منطقه گرد هم آمده وفعالیت‌های خودراعلیه دهقانان زحمتکش ترکمن‌صحرا سازمان می‌دهند.

برای برملاساختن‌ماهیت "شورای زمین‌داران ترکمن صحرامشخصات تعدادی ازاعضای آن رابا سند تاسیس شورای زمین‌داران به چاپ می‌رسانیم و خوانندگان‌خود راتوجه می‌دهیم که به مقاله "تبلیغات توطئه‌گرانه توده‌ای‌ها" علیه دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا، که درشماره۳۹ کار درج شده‌است، مراجعه‌کنندتایک‌بار دیگرماهیت حزب به‌اصطلاح طراز نوین طبقه‌کارگر ایران رادریابند.

درجدول زیر، علاوه بر جعفر بای و محمدی که از "توده‌ای"های فعال منطقه هستند، "کمیته‌مرکزی حزب" بی‌شک اسامی آشنای دیگری نیز دراین لیست مشاهده خواهدکرد!! البته ما دراین لیست تنها زمین‌دارانی راکه "روزنامه مردم" به دفاع‌ازآن برخاسته و باعوامفریبی وتبلیغات ضدانقلابی می‌کوشدمانع ازبیرون آوردن زمین‌ها، زمین‌هائی که غصب کرده‌اند، ازچنگشان شود، آورده‌ایم وفعلا ازدیگردوستان **سرمایه‌دار** حزب درمنطقه حرفی نمی‌زنیم، ما به "توده‌ای"هائی‌که حرف مارا باورندارند، توصیه می‌کنیم سری به گنبدزده ومقالات "مردم" رابا املاک واقعیات موجود درترکمن صحرا ارزیابی نمایند.

جعفربای	۲۰۰۰هکتار	سازگار	۱۵۰۰ هکتار
عبدی‌محمدی	۴۰۰ "	جبارآخوندنژاد	۳۵۰۰"
خندان	۲۵۰۰ "	آخوندزاده	۲۰۰۰"
بیخی شروه	۴۰۰ "	نظرنژاد	۱۵۰۰"
بیگ‌زاده (فقط درسدوشمگیر)	۲۰۰ "	تیمسارجهانگیر	۳۰۰۰"
ولی‌اللهپارسا	۳۰۰۰"	حاجی‌قاسمی	۱۵۰۰"
یوسف‌قره‌جه	۵۰۰ "	مهندس‌دارابی	۵۰۰ "
رضائی	۷۰۰ "	محمدی	۲۵۰۰هکتار
نجم‌الدین	۱۵۰۰ "	شیرمحمدی	۱۷۰۰ "
سرهنگ قادری	۴۰۰ "	محمدشیر	۶۰۰ "
مجیدمفیدی	۵۰۰ "	حبیب ایشان	

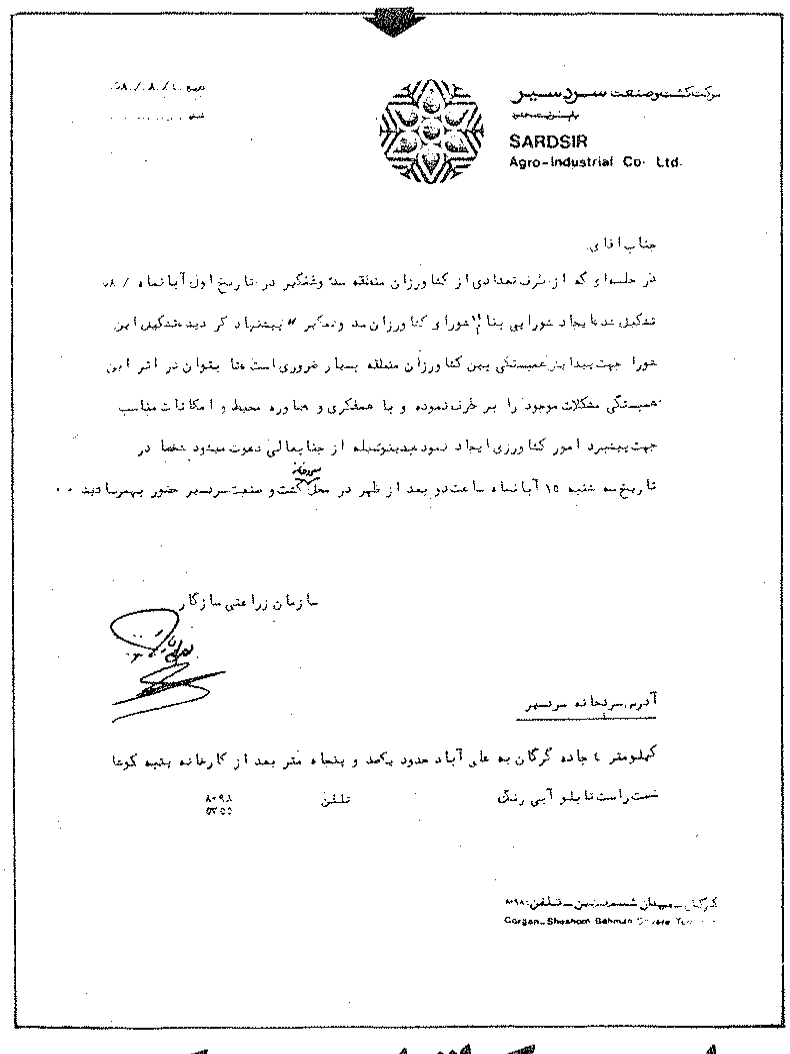
شرکت کشت و صنعت سردسیر
SARDSIR
Agro-Industrial Co. Ltd.

جناب آقای

در جلسه‌ای که از طرف تعدادی از کشاورزان منطقه سد وشمگیر در تاریخ اول آبانماه ۵۸/ ۸/ تشکیل شد با ایجاد شورایی بنام "شورای کشاورزان سد وشمگیر" پیشنهاد گردید تشکیل این شورا جهت پیدا پذیرفتگی پس کشاورزان منطقه بسیار ضروری است تا بتوان در اثر این همبستگی مشکلات موجود را برطرف نموده و با همفکری و همکاری و امکانات مناسب جهت پیشبرد امور کشاورزی ایجاد نمود بدینوسیله از جنابعالی دعوت میشود جلسه در تاریخ سه شنبه ۱۵ آبانماه ساعت دو بعد از ظهر در سالن کشت و صنعت سردسیر حضور بهمرسانید.

سازمان زراعی سازگار

آدرس: سردخانه سردسیر

کیلومتر ۱ جاده گرگان به علی آباد حدود یکصد و پنجاه متر بعد از کارخانه پنبه کوغا سمت راست تابلو آبی رنگ

تلفن ۸۰۹۸ ۵۲۵۵

گرگان - بهمان شمس‌نسین - تلفن: ۸۲۹۰
Gorgan - Shahnun Bahmun Sharif Tel.

در راهپیمائی شنبه ۸ دی‌ماه که علیه توطئه‌سرمایه‌داران‌لیبرال ودرحمایت‌از ادامه افشاگری ها برگزارشد، مردم‌فریادمی‌زدند:

افشای آمریکائی باید ادامه یابد

به دنبال دعوت سازمان چریک‌های فدائی خلق‌ایران، به منظور گسترش مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها ونیزپشتیبانی از ادامه افشاگری‌های "دانشجویان مسلمان پیروخط امام"، دهها‌هزار نفر از هواداران و اعضای سازمان ودیگر نیروهای انقلابی و مبارز، درتظاهرات و راهپیمائی روز شنبه ۸ دی‌ماه شرکت کردند.

حرکت تظاهرکنندگان درساعت ۳/۵ ازدانشگاه تهران آغازشد. راهپیمایان با صفوف منظم وبه هم فشرده مسیرخیابان انقلاب را طی کرده و هرچه جلوترمی‌رفت بر تعداد و تراکم آن افزوده می‌شد.

دراین تظاهرات بزرگ ضد امپریالیستی، سازمان‌چریکهای فدائی خلق‌ایران با افشای سرمایه‌داران لیبرال و نیروهای سازشکار و نیز باحمایت خویش از ادامه افشاگری‌های "دانشجویان پیرو خط امام"، عملا گام بزرگی درجهت تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلقهای میهنمان برداشت و نشان داد که همگام و پیشاپیش توده‌های میهنمان دراین مبارزه حرکت می‌کند. راهپیمایان درمسیرحرکت خویش با شعارهای.

"مرگ برامریکا"، "افشای امریکائی بایدادامه یابد"، "خودمختاری خواسته خلق ایران خودگردانی فریب سازشکاران"، "انقلاب پیروزاست، سازشکارنابود است"، "خروش هرکارگر، فریاد هربرزگر، مرگ برسازشکار"، "شعار هرفدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی"، "امپریالیسم خونخوار، لیبرال سازشکار، نابودبایدگردد" "ایران راگورستان‌امریکامی‌کنیم." درصورت تهاجم، ایران را سراسر ویتنام می‌کنیم"، "کارگر، زحمتکش، فریاد خودرا برکش، علیه هرنوع سازش" و..... کینه و نفرت خود رانسبت به امپریالیسم‌امریکا، سرمایه‌داران لیبرال و نیروهای سازشکار نشان می‌دادند و باشعارهای پر طنین خویش درزمینه‌خواسته‌های‌کارگران وسایر زحمتکشان، مسیر راهپیمائی رابه لرزه درآوردند. آنها نشان دادند که این تنها کارگران و زحمتکشان هستند که می‌توانند مبارزه‌ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک رانا به آخر ادامه دهند.

در پیشاپیش راهپیمایان پلاکاردی حمل می‌شد که برروی‌آن نوشته شده‌بود.

"افشای‌امریکائی‌بایدادامه‌یابد"

نوشته‌های دیگر پلاکاردها چنین بودند.

"توطئه‌دوستان و جاسوسان امپریالیسم‌امریکا را درهم‌شکنیم"

"مقاومت سرمایه‌داران لیبرال را علیه ادامه افشاگری ها درهم شکنیم..."

مردم با دیدن صف تظاهرکنندگان به آنها می‌پیوستند ویا درپیاده‌روها باآنها هم‌صدا شده و عملا این حرکت ضد امپریالیستی راتائید می‌کردند.

این راهپیمائی نیزمانند دیگر راهپیمائی ها وتظاهرات سازمان و نیروهای مترقی موردتهاجم عناصر اوباش و مرتجعین قشری قرارگرفت ولی‌آنها این‌بار باخشونت‌بیشتری به مردم حمله می‌کردند واین عمل آنان دقیقا نشان دادکه این‌گروه‌ها چه روابطی با محافل وجریانات لیبرال و ارتجاعی دارند وچگونه از آنها دستورمی‌گیرند. ولی با تمام فشاری که این‌گروه‌هاوارد می‌کردند، تظاهرکنندگان در صفوفی به‌هم فشرده وروحیه‌ای انقلابی، بامتانت و شکیبائی به راهپیمائی ادامه می‌دادند و با تکرار شعار

"مرگ بر امریکا"

ماهیت این گروه‌هارا افشاکردند.

راهپیمایان دراین تظاهرات باعزمی راسخ، نمایشی از یک مبارزه سخت طبقاتی‌رانشان‌دادند وبا توفندگی خویش همچون رودی خروشان تمامی موانعی راکه‌عوامل سرمایه‌داری و عناصر ناآگاه در مسیرشان به وجود آورده‌بودند، به‌کناری زده وبه حرکت خود ادامه دادند و ساعت ۷ به‌خیابان طالقانی نزدیک مرکز جاسوسی امریکا رسیدند. سپس قطعنامه راهپیمائی خوانده‌شد وپس ازآن راهپیمایان در گروه‌های چند صد نفره با شعارهای ضد امریکائی بازگشتند.

تیمسارارتش شاهنشاهی، دریادار مدنی کاندیدای ریاست جمهوری است

تیمسارمدنی، پیش ازقیام شکوهمند بهمن‌ماه‌برای به شکست کشاندن جنبش ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های قهرمان ایران با امپریالیسم امریکاهمکاری نزدیک داشت.

تیمسارارتش شاهنشاهی، مرتبا درخانه "درخشش" ـ که‌بامرکز جاسوسی امریکادرایران ارتباط مستقیم‌ودائم داشت ـ بادوستان خودبه‌چاره‌جوئی می‌نشست وعلیه مبارزات خلق‌مادسیسه می‌چید.

تیمسارمدنی نیزمثل بسیاری ازدوستان‌امپریالیسم‌امریکا، یکی ازمهره‌های فعال کابینه بازرگان بود. اونخست، وزارت دفاع و سپس فرماندهی نیروی‌دریائی و استانداری خوزستان‌رابه‌عهده گرفت.

کارنامه‌تیمسارارتش شاهنشاهی، پس ازقیام شکوهمندخلق‌های ایران مالامال‌ازخیانت به‌آرمان خلق‌های به‌پاخاسته ایران‌است. استاندارخوزستان دردشمنی با کارگران وزحمتکشان خوزستان، استانداران آریامهری را روسفید کرده‌است. اوسرکوب خلق‌عرب خوزستان راازمهم‌ترین‌افتخارات زندگی خودمی‌داند.

تیمسارمدنی، نام منفوری‌درنزد کارگران‌وزحمتکشان خوزستان است. اوازامپریالیسم‌وطبقه سرمایه‌دارایران دفاع‌می‌کند، برای‌نمونه زمانی‌که شورای‌اسلامی کارگران سدکو، سدایران، به مصادره انقلابی سرمایه‌های امریکائی پرداخت، تیمسارمدنی شورای‌اسلامی کارگران رامنحل کردوکارگران مبارزرا بازداشت نمود.

تیمسارمدنی درجواب کارگران همیشه این جمله‌معروف شاه را تکرارمی‌کند.

"ماازموضع قدرت سخن می‌گوئیم‌وهرعمل خلافی‌راسرکوب خواهیم‌کرد."

(روزنامه‌های‌یکشنبه ۸مهر)

جناب تیمسارباکمک محافل و دوستان داخل وخارج ازمدت‌ها پیش فعالیت‌های انتخاباتی را سازمان‌دادوشبکه تبلیغاتی که بخشی ازشبکه جاسوسی امپریالیسم‌امریکاوطبقه‌سرمایه‌دار وابسته‌به‌آن‌است، این‌وظیفه را برعهده‌گرفت که‌تبلیغات مربوط به فعالیت‌های انتخاباتی تیمسار را درسرتاسرایران هماهنگ سازد.

فعالیت‌های تیمسارمدنی برای احرازپست ریاست‌جمهوری تنها اجرای قسمتی ازنقشه "جرج‌بال" کارشناس وزارت خارجه امریکادر اموراایران است.

"جرج‌بال"، چندماه‌پیش اعلام‌کرده‌بودکه‌هدف امریکا این است که جبهه ملی، ومحافل مذهبی معتدل در راس قدرت‌قرار گیرند و یااگرشرایط اجازه داد یکی ازفرماندهان ارتش زمام امور را دردست‌گیرد، زیرا برای دفاع ازمنافع امریکااین امر ضرورت حیاتی دارد.

تیمسار، درعین‌حال سودای حکومت نظامیان‌رادرسرمی‌پروراند وتبلیغات وسیعی که ازماه‌هاپیش درسراسرایران برای ریاست جمهوری تیمسارمدنی می‌شود و حمایت گسترده‌برخی روزنامه‌ها ازایشان، نشان می‌دهدکه چگونه محافل وابسته به‌امپریالیسم درون‌ارتش و دیگر محافل ارتجاعی خودراسازمان‌داده‌اند و برای تسخیرقدرت آماده می‌شوند.

صلح دمکراتیک در کردستان باید به‌نفع زحمتکشان ایران برقرارشود

کار
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۳

قطعنامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۸ دی ماه

به منظور درهم شکستن توطئه سرمایه داران لیبرال و حمایت از ادامه افشاگری های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"

مردم مبارز ایران!

اکنون که میلیون‌ها کارگر و زحمتکش میهن ما، در هزاران واحد تولیدی مبارزه خود را علیه غارتگری و استثمار سرمایه‌داران شدت بخشیده‌اند و با تشکیل شوراها و سندیکاها و با اتحاد و مبارزه خود در تلاشند دست سرمایه‌داران وابسته را از بسیاری کارخانه‌ها کوتاه سازند،

اکنون که مبارزه طبقه کارگر علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن هر روز دامنه وسیع‌تری به خود می‌گیرد،

اکنون که میلیون‌ها دهقان محروم و ستمدیده در هزاران روستای ایران، مصممانه برای بازپس گرفتن زمین، از ملاکین و زمین‌داران بزرگ، به پا خاسته و طبقه سرمایه‌دار و زمین‌داران بزرگ را به وحشت افکنده‌اند،

اکنون که سرباران و درجه‌داران و افسران جزء و همافران مبارزه خود را علیه فرماندهان آریامهری ارتش گسترش می‌دهند و با تشکیل شوراهای واقعی خود، توطئه های امپریالیستی آنان را علیه توده نظامیان و پرسنل انقلابی و علیه مردم قهرمان ایران درهم می‌شکنند،

اکنون که مبارزه کسبه و پیشه‌وران، معلمین و کارمندان، دانشجویان و طلاب و محصلین علیه طبقه سرمایه‌داری ایران، این پایگاه امپریالیسم امریکا هر روز عمق بیشتری به خود می‌گیرد،

اکنون که افشاگری‌های ۹ ماهه نیروهای انقلابی و پیشرو و انتشار اسناد مرکز جاسوسی امریکا توسط "دانشجویان پیرو خط امام"، مشت دوستان ریائی و دروغین مردم و میوه چینان انقلاب را بازکرده و پشت آنان را به لرزه درآورده است،

احزاب و محافل وابسته به سرمایه‌داران لیبرال به تکاپو افتاده‌اند تا از طریق فریب خلق و تحت حمایت اکثریت حاکم در شورای انقلاب و دیگر دوستان "صاحب مقام" خود، چند صباحی دیگر به غارتگری و چپاولگری ادامه دهند.

این احزاب و محافل که عمدتا با نام "بازرگان" ها "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان"، "جبهه ملی"، "نهضت رادیکال" و شرکاء شناخته می‌شوند، به مثابه سخنگویان طبقه سرمایه‌دار ایران با مبارزه توده‌ها برای قطع سلطه امپریالیسم امریکا به اعتراض و مخالفت برخاسته و تا آنجا که توانسته‌اند علیه جنبش‌ها و نیروهای انقلابی در ایران و در منطقه به توطئه‌چینی دست زده‌اند.

این احزاب و محافل در ۹ ماه گذشته همواره از ساواکی‌ها از جاسوسان، از وابستگان به رژیم سابق دفاع کرده و با اعدام جنایتکاران، با تشکیل شوراها و با هر اقدامی که به سود جنبش ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلق های قهرمان ایران بوده است، مخالفت و مقابله کرده‌اند. اینان از احساسات و اعتقادات پاک مذهبی مردم ما بهره‌برداری کرده و با هزاران حیله و فریب درصدد دند سیاست‌های ضد مردمی خود را به پیش برند.

سازمان ما اعلام می‌دارد که امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران لیبرال دست در دست هم جنگ همه‌جانبه خود را علیه مردم ما شدت بخشیده‌اند. در این نبرد سهمگین دوستان امپریالیسم امریکا یکی پس از دیگری ناچار می‌شوند برای حفظ منافع خود در برابر اراده و خواست توده‌ها قرار گیرند و پرده‌های تزویر را از چهره خویش بردارند.

جاسوسی امیرانتظام آشکار می‌شود، بازرگان، یزدی، قطب‌زاده، بهشتی، رفسنجانی و امثال آنها به دفاع از او برمی‌خیزند و صف‌آرائی امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار و همه حامیان آنان از یک‌سو و طبقه کارگر، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران، کارمندان و دانشجویان، طلاب و روحانیت ضد امپریالیست و دیگر نیروهای خلق از سوی دیگر مشخص تر از همیشه شکل می‌گیرد. صفوف دوستان واقعی خلق و صفوف دشمنان خلق‌های میهن ما، پیوسته آشکارتر و مشخص‌تر می‌شود.

ما افشاگری‌های نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست را جزئی از مبارزات عادلانه خلقمان می‌دانیم و اعلام می‌داریم:

۱ـ افشاگری‌هائی که در طی ۹ ماه پس از قیام خلق‌های قهرمان ایران، از جانب نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست صورت گرفته، در خدمت منافع خلق‌های قیام‌کننده میهن ما بوده و در شمار خواست‌های حق‌طلبانه مردم ماست. ما هم‌صدا با مردم مبارز ایران، با تاکید بر اهمیت افشاگری‌های سیاسی که از جانب نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست صورت می‌گیرد، خواهان ادامه افشاگری‌های "دانشجویان پیرو خط امام" هستیم.

۲ـ ما هرگونه سکوت و مماشات را در برابر توطئه و تهاجمات اخیر سرمایه‌داران لیبرال و هرگونه سازش با آنها و یا عدم پشتیبانی از ادامه افشای دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا را از جانب هرگروه و هرمقامی که باشد خدمت به امپریالیسم امریکا می‌دانیم. ما اعلام می‌داریم که فقط کسانی در راه اهداف خلق ما گام برمی‌دارند که علیه توطئه‌ها و تهاجمات سرمایه‌داری لیبرال، این پایگاه امپریالیسم امریکا به مقابله برخیزند و مشخصا امروز از ادامه افشاگری‌ها حمایت کنند.

۳ـ ما حوادث پس از تسخیر مرکز جاسوسی امریکا را از اقدامات "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" گرفته تا تهاجم اخیر "بازرگان" و شرکاء علیه افشاگری‌ها، تماس‌های "بختیار" با فئودال‌ها و خوانین مرتجع ایران در عمان، توطئه‌های محافل لیبرالی درون ارتش، تسلیح فئودال‌ها و عناصر مرتجع و اوباش به منظور سرکوب دهقانان زحمتکش میهن ما که مشخصا در مناطقی مثل ترکمن‌صحرا، کردستان فارس و سیستان و بلوچستان صورت می‌گیرد و نیز کوشش‌هائی که برای ادامه سیاست سرکوب خلق‌ها به کار می‌رود و عملا در راه استقرار صلح عادلانه در کردستان مانع ایجاد می‌کند، همه را سلسله تهاجمات و تلاش‌های به‌هم پیوسته، حساب شده و گسترده‌ای می‌دانیم که امپریالیسم امریکا به همدستی سرمایه‌داران لیبرال و سایر عوامل خود برای به شکست کشاندن مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های ما سازمان داده است.

۴ـ هر تفکر و هر نیروئی که خطر سرمایه‌داران لیبرال را دست‌کم بگیرد و یا بخواهد از لیبرال‌ها برای تخفیف گرایش‌های ارتجاعی حاکمیت بهره‌برداری کند و یا در این نبرد به‌نظاره بایستد، مشخصا در راه تقویت سلطه سرمایه‌داری وابسته، گام برداشته است. در عین حال اعلام می‌داریم آن سیاستی که می‌کوشد بر گرایش‌های ارتجاعی حاکمیت پرده‌ساتر افکند، نیز آب به آسیاب سرمایه‌داران لیبرال می‌ریزد و به‌نوبه خود به سرمایه‌داری وابسته یاری می‌رساند.

۵ـ ما موضع "شورای انقلاب" را در قبال این افشاگری‌ها و گماشتن "قطب‌زاده" را برای کنترل افشاگری های دانشجویان مستقر در مرکز جاسوسی امریکا، نشانه آن می‌دانیم که "شورای انقلاب" تلاش دارد به هر قیمتی شده از ادامه افشاگری‌ها جلوگیری کند.

۶ـ تاکید می‌کنیم که تنها مبارزه فعال و گسترده طبقه تا به آخر انقلابی یعنی طبقه کارگر و اتحاد دهقانان و سایر اقشار خلق با طبقه کارگر است که می‌تواند نبرد عادلانه خلق ما را علیه امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن به پیش راند و به پیروزی رساند. عزم راسخ داریم که پیشاپیش طبقه کارگر قهرمان ایران و سایر زحمتکشان قاطعانه به این نبرد عادلانه ادامه دهیم و مقاومت امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه‌دار وابسته به آن را درهم شکنیم.

بار دیگر اعلام می‌داریم که برای پیشبرد این مبارزه اتحاد همه اقشار خلق با طبقه کارگر و اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیست با انقلابیون کمونیست ضرورت اساسی دارد.

نابود باد جبهه سرمایه‌داران لیبرال
گسترده باد همکاری و همگامی همه آنان که در راه ساختن
ایرانی آزاد و دمکراتیک گام برمی‌دارند
مرگ بر امپریالیسم جهانی
به سرکردگی امپریالیسم امریکا
پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک
خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۸ دی ماه ۵۸

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۴

دهقانان زحمتکش جلگون: (شوشتر)

زمیندار نابود است، دهقان پیروز است

جلگون (جنت‌مکان) یکی از روستاهای اطراف شوشتر است که با جمعیتی قریب ۵۰۰۰ نفر در منطقه دیمچه قرار دارد. دوسوم اراضی و به‌ویژه اراضی مرغوب این منطقه در اختیار زمین‌داران بزرگ قرار دارد.

شرکت کشت وصنعت کارون به همراهی زمین‌داران بزرگ منطقه بخش وسیعی از اراضی دهقانان را به‌اشکال مختلف ازجمله به‌زور سرنیزه به تصرف ومالکیت خود درآورده‌بودوباسلب مالکیت از دهقانان فقیر، نزدیک به ۲۵۰۰ تن ازآنان را در ازای مزدناچیزی به خدمت گرفته‌بود.

زمین‌داران منطقه ازمتنفذین قدیمی و وابستگان رژیم منفور پهلوی‌هستند، علاوه‌برسهامداران شرکت کشت‌وصنعت کارون، امیر حسین‌خان با ۱۲۰۰۰ هکتارزمین در "شعبیه" و علیمردان‌خان با حدود ۷۰۰۰ هکتارزمین، نام‌های منفوری برای زحمتکشان منطقه به حساب می‌آیندکه به بهای بهره‌کشی ازکارگران وخانه‌خرابی وگرسنگی دهقانان، سفره خود را رنگین ساخته‌اند.

دهقانان جلگون وکارگران مبارز کشت و صنعت‌کارون دست‌دردست هم به‌مبارزات گسترده‌ای علیه بهره‌کشی وستمگری زمین‌داران و خان‌ها دست‌زدند، تازمین‌هائی راکه با زور ازآنهاگرفته‌شده‌بود از زمین‌داران وخان‌های فئودال بازپس بگیرند.

کارگران ودهقانان در طول مبارزات پس ازقیام‌خودنیزشاهد حمایت تیمسارمدنی استاندار خوزستان وفرماندارشوشتر از زمین‌داران وخان‌های فئودال منطقه بوده‌اندکه علیرغم‌آن با اتحاد وهمبستگی کارگران‌و دهقانان، تهاجم‌زمین‌داران وخان‌های فئودال همیشه درهم شکسته شده‌است. ازجمله‌درتاریخ ۲۰ آذر ۵۸، تهاجم ۸۰ نفرازعمال امیرحسین‌خان و علیمردان‌خان‌را که‌به‌منظور تصرف وکشت‌زمین‌های آنان صورت گرفته‌بود، درهم شکستند.

پس ازتهاجم ۲۰ آذرنیز دهقانان‌زحمتکش درمقابل حمله مسلحانه امیرحسین‌خان وعمال‌او به مقاومت برخاستندوامیرحسین خان و علیمردان‌خان و بیژن بختیار (خواهرزاده‌آنها) را دستگیروتحویل کمیته دزفول دادند.

دهقانان باشعار.

"زمین‌دار نابود است، دهقان پیروز است"

باخان‌ها وعمال آنان به مقابله برخاستندوآنهارادستگیرکردند.

پیام‌کارگران به دهقانان

پس ازمقاومت قهرمانانه دهقانان جلگون ودستگیری زمین‌داران وخان‌ها توسط‌آنان، کارگران کشت وصنعت‌کارون طی پیامی که‌برای دهقانان فرستادند گفتند.

"روستائیان مبارز، شما با جلوگیری ازکشت زمین‌ها توسط فئودال‌ها وایادی‌وابسته‌شان با اینکه باندهای مسلحی رابا خود همراه داشتند، ومی‌دانستید که کمیته شوشتروفرمانداری شوشتر بطور مشخص حامی آنهاست، نشان‌دادیدکه زمان آن‌رسیده است که دیگرسرسپردگان امپریالیسم بایدازخانه‌وکاشانه‌تان بیرون‌رانده‌شوند، شمانشان‌دادید که ضرورت اتحاد و همبستگی را درک کرده‌اید."

کارگران درپایان ازدهقانان خواستندکه بانشکیل شوراهای واقعی، ازدستاوردهای‌مبارزات خود پاسداری کنند و اتحاد و همبستگی خودراتقویت نمایند.

رابطه آموزش و ...

بقیه از صفحه ۸

وبطورکلی تمام‌جوانان که می‌خواهند به‌مرحله کمونیسم انتقال یابند، باید کمونیسم را بیاموزند. ولی پاسخ حاکی از "آموختن کمونیسم" پاسخی‌بسیار کلی است. لیکن مابرای آموختن کمونیسم چه‌چیزی لازم‌داریم؟ چه چیزی راباید‌ازمجموعه معلومات کلی برگزینیم تامعلومات کمونیسم کسب کنیم؟ اینجامخاطرات‌چندی مارا‌تهدید می‌کندکه غالبا به‌محض آنکه وظیفه آموختن کمونیسم به شیوه نادرستی مطرح می‌گردد، یا هنگامی که این وظیفه بسیار یک جانبه درک‌می‌شود، مخاطرات مذبور هم‌بروزمی‌کند. طبیعی‌است که درنظراول این‌فکر به‌مغزمی‌آید که معنای آموختن کمونیسم عبارت است از فراگرفتن آن‌مجموعه معلوماتی که در درس‌نامه‌ها و رساله‌ها و آثارکمونیستی‌بیان گردیده‌است. ولی اگردرمورد آموختن کمونیسم چنین تعریفی بشود، **بیش ازحد سطحی وناکافی خواهدبود.** اگرآموختن کمونیسم فقط منحصربود به فراگرفتن آنچه که درآثار وکتاب‌ها ورساله‌های کمونیستی بیان‌شده‌است، آن‌وقت خیلی به‌سهولت می توانستیم ملانقطی‌ها یا لاف‌زنان کمونیست به‌دست آوریم. ولی این امردر غالب مواردزیان و خسارت به ما وارد می‌کرد، زیرااین افراد پس از آموختن وازبرکردن مندرجات کتب و رسالات کمونیستی نمی‌توانستند همه‌این معلومات رابا هم مربوط سازند ونمی‌توانستند آن‌طورعمل نمایندکه واقعا کمونیسم خواستارآن‌است. یکی از بزرگ‌ترین بلایا وبدبختی‌هائی که ازجامعه کهنه سرمایه‌داری‌برای ماباقی مانده‌است، **همانا گسست کامل کتاب بازندگی عملی است،** زیراکتاب‌هائی داشتیم که درآنها همه‌چیز به‌بهترین صورتی‌درج شده‌بودواین کتاب‌ها دراکثرموارد مشخص کننده‌ترین اکاذیب سالوسانه‌ای‌بودندکه جامعه سرمایه‌داری راکاذبانه برای ما تصویرمی‌کردند. بدین‌جهت فراگرفتن ساده وکتابی‌مآبانه‌وآن چیزی که درکتاب‌های مربوط به کمونیسم مسطوراست به منتها درجه نادرست می‌باشد. اکنون‌در نطق‌ها ومقالات ماتکرارساده آن چیزهائی که سابق‌درباره‌کمونیسم گفته می‌شد، وجودندارد، زیرا نطق‌ها ومقالات **ماباکار روزمره و همه جانبه رابطه‌دارد.** کسب معلومات کتابی درباره کمونیسم ازروی رسالات وتالیفات‌کمونیستی بدون کار وبدون مبارزه، واجد هیچ‌گونه ارزشی نیست، زیراچنین معلوماتی به‌گسست قدیمی بین **تئوری و پراتیک**، یعنی به آن گسست قدیمی که نفرت‌انگیزترین صفت جامعه کهنه بورژوائی‌را تشکیل می‌داد، کماکان ادامه خواهدداد. ازاین‌هم خطرناک‌تر خواهدبودا‌گرمافقط به‌فراگرفتن شعارهای کمونیستی بپردازیم، اگر مابه‌این خطر به‌موقع پی‌نبریم و تمام فعالیت خودرامتوجه آن نسازیم‌که این خطررابرطرف نمائیم، آن‌وقت نیم‌میلیون ازیک میلیون تن ازپسران ودوشیزگان که پس ازاین‌گونه‌آموختن‌کمونیسم خودراکمونیست خواهندنامید، فقط زیان عظیمی به امرکمونیسم وارد خواهندساخت."

لنین
وظایف سازمان‌های‌جوانان

ما و انتخابات ریاست ...

بقیه از صفحه ۱

انقلابیون کمونیست که‌پیگیرترین و صدیق ترین نمایندگان سیاسی طبقه کارگروسایرزحمتکشان‌هستند، نمی‌توانندکاندیدای ریاست جمهوری باشند، که این‌خودبیانگر ماهیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران‌است.

هرچند که هیئت حاکمه با استفاده از قانون اساسی دست پرورده خود قطعایک انتخابات غیردمکراتیک وضد دمکراتیک رابه مردم ما تحمیل خواهدکرد، لیکن این مسئله به‌تنهائی نمی تواند دلیل آن باشدکه سازمان‌های سیاسی انقلابی وپیشرو جدا از مصالح مشخص جنبش خلق ومبارزات توده‌ها، با فرار از تحلیل مشخص موقعیت کنونی یک‌بار وبرای‌همیشه شرکت در انتخابات را بطورکلی منتفی کنند.

مبارزه‌ای که اکنون برای انتخاب ریاست جمهوری آغازشده است، یکی از اشکال مشخص مبارزه طبقات است ومسلم‌است که کمونیست هانمی‌توانند ونباید بدون توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صف بندی نیروها وبدون توجه به وظایف کمونیست‌ها در برابر آن، تنها به بهانه ارتجاعی بودن قانون‌اساسی درعرصه چنین مبارزه‌ای ناظر بی‌طرف بمانند. با توجه به آنچه گفته‌شد ما در انتخابات آتی یا ازیک کاندیدا در برابر دیگران پشتیبانی می‌کنیم یا کلا در انتخابات شرکت‌نخواهیم‌کرد. درصورت شرکت درانتخابات، برمبنای مواضع طبقاتی، سوابق‌مبارزاتی‌و برنامه‌ای که هرکاندیدا ارائه می‌دهد، اتخاذ تصمیم‌خواهیم‌کرد

درهرحال سازمان‌ما، احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال را راهگشای تحکیم مجدد سلطه امپریالیسم می‌شناسد، زیرا این جریان‌ها درحال حاضر خطر عمده برای‌جنبش ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم‌ایران محسوب می‌شوند. ما درجریان انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران خواهیم‌کوشید تاچهره‌کاندیداهای وابسته به‌این احزاب و محافل در پیشگاه خلق‌های قهرمان میهن فاش و افشاء شود، تاچنین نامزدهائی فرصت نیابند ازطریق فریب خلق و وعده‌های‌آزادی دروغین آراء آنان رابه سود خود به صندوق ها بریزند.

ازسوی دیگرکاندیداهائی که برای ادامه مبارزه‌باامپریالیسم وسرمایه‌داری وابسته به‌نحوی که دربرگیرنده حقوق و منافع‌کارگران و زحمتکشان میهن باشد، برنامه‌ای مشخص ارائه ندهند، نامزدهائی که به ضرورت تامین و حفظ آزادی‌های دمکراتیک در سراسر ایران مومن و معتقد نباشند، کاندیدائی که حمایت از ضبط فوری زمین‌های‌مالکین بزرگ، به سود شوراهاواتحادیه‌های دهقانی وخلع ید ومصادره فوری اموال سرمایه‌داران وابسته را وظیفه عاجل خودنداند، کاندیدائی که حق خودمختاری خلق‌ها را به رسمیت نشناسد، کاندیدائی که تامین حق برابری زنان و مردان را در شئون و حقوق اجتماعی دردستور کارخودنداشته‌باشد، کاندیدائی که ضرورت بسیج نظامی وتسلیح خلق را در برابر تهاجمات و توطئه‌های‌امپریالیسم وپایگاه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه‌دار، نادیده انگارد، کاندیدائی که دربرنامه خود تحکیم نظام شورائی را منظور نکرده باشد، کاندیدائی نیست‌که بتواند مورد پشتیبانی انقلابیون کمونیست قرارگیرد.

و از آنجا که هنوز اسامی کاندیداهای رئیس جمهوری رسما اعلام‌نشده‌است، و هنوز صف آرائی هابه پایان نرسیده و برنامه کاندیداها مشخص نشده است، لهذا اعلام حمایت سازمان ازیک کاندیداو یا اعلام انصراف خود را ازشرکت در انتخابات، به روزهای آینده موکول کرده‌ایم.

ما، شورای انقلاب و تحولات...

بقیه از صفحه ۱

ما، ناچیزماندن حدآگاهی سیاسی و طبقاتی توده‌دهقانان و یکی از عوامل عدم تشکل و عدم آگاهی توده های افغان راسیاست‌های نادرست "حزب پرچم" ودیگراحزاب مترقی افغانستان می‌دانیم، ما آن‌سیاستی راکه به‌جای اتکا به توده ها به‌جای کوشش وفداکاری درجهت تشکل و آگاهی توده‌ها، تسلیح و بسیج آنها، برای درهم‌شکستن جبهه ضدانقلاب به تسخیر ماشین نظامی دولتی می‌اندیشد، سیاست طبقه کارگر نمی شناسیم.

اعتقاد داریم که احزاب ترقی‌خواه افغانستان باید به انقلاب توده‌ای بیندیشند و تنهانیروی لایزال تاریخ‌را درتوده‌های میلیونی محروم افغانستان جستجو کنند.

ما درعین‌حال سیاست کنونی دولت ایران رانسبت به افغانستان سیاستی درجهت مخالف منافع مردم ما و مردم افغانستان می‌شناسیم، دولت ایران درمبارزات طبقاتی که اکنون در سرزمین افغانستان درجریان‌است بطور آشکار جانب فئودال‌ها و سران مرتجع عشایر را گرفته‌است.

شورای انقلاب و وزیرخارجه حوادث اخیر افغانستان را فرصتی مناسب یافتند تا با استفاده از رادیو- تلویزیون و مطبوعات توجه مردم را ازجنایت ها ودسیسه‌های امپریالیسم‌امریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن منحرف سازند، آنهامی‌کوشند انرژی انقلابی توده‌ها رامتوجه نیروهای انقلابی وترقی خواه ایران وجهان سازند.

ما این سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنیم و آن را مخالف منافع خلق‌های زحمتکش، ستم‌کشیده و محروم ایران و افغانستان میدانیم. چنین سیاستی مستقیم و غیر مستقیم درخدمت فئودال ها وسران مرتجع عشایر قرارگرفته و از جانب دولت‌های امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، استرالیا، ژاپن، چین و اسرائیل ودیگردولت‌های ارتجاعی تائید و حمایت شده است.

سازمان ما که درراه آرمان‌های طبقه کارگر و زحمتکشان ایران گام برمی‌دارد، ازآرمان زحمتکشان افغانستان خود را جدا نمی‌داند، طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، برای مردم افغانستان سرزمینی مستقل، آزاد و دمکراتیک را آرزو می‌کند.

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

کار

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۵

صف بندی طبقات ابعاد مشخص تری ...

بقیه از صفحه ۱

مبارزه ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک توده‌ها را همچنان در اختیار داشته باشد و یا صحیح‌تر این که از دست ندهد، قطب‌زاده سانسورچی معروف جمهوری اسلامی را مامور کرد که سانسور و کنترل افشاگری‌های "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را بر عهده گیرد و سرانجام روز یکشنبه ۹ آذرماه اطلاعیه‌ای از طرف شورای انقلاب صادر شد که طی آن **پس از مقدماتی** مبنی بر ضرورت افشاگری‌ها اعلام می‌داشت:

"نشر هرگونه اسناد و تفسیر و تحلیل اسناد باید با رعایت همه جنبه‌های اسلامی و در پی صدور رای دادگاه صالح صورت گیرد."

روشن است که مقدمات اطلاعیه شورای انقلاب، تنها زیر فشار تمایلات توده‌های میلیونی مبنی بر ادامه مبارزه ضد امپریالیستی نوشته شده است. زیرا حکم شورای انقلاب آشکارا بر کنترل و محدودیت افشاگری‌ها دلالت دارد.

هراس شورای انقلاب از مبارزهٔ توده‌ها

"شورای انقلاب" در عمل با تمام امکانات کوشش دارد تا تیرو دامنه توده‌ای افشاگری‌های کنونی را محدود کند و بخصوص از عمق طبقاتی آن بکاهد و مبارزه طبقاتی را که هر روز عریان‌تر و پردامنه‌تر پیش می‌رود و بورژوازی لیبرال را مرزوی‌تر و مطرودتر می‌سازد متوقف سازد.

افشاگری‌ها جانبداری کردند. راهپیمائی سازمان ما، در این رابطه از اهمیت سیاسی فراوانی برخوردار بود.

آیت الله خمینی سیاست محتاطانه‌ای در پیش گرفت و در سخنرانی ای که در اواخر هفته گذشته برای پرسنل شهربانی که به دیدار او آمده بودند ایراد کرد یکبار دیگر تاکید کرد که در جمهوری اسلامی تفاوت‌ها و تمایزات طبقاتی "معقول"، "محترم" و "مقدس" شمرده می‌شود و به‌ویژه با اشاراتی که به نیروهای مترقی مذهبی داشت آنها را مورد انتقاد شدید قرار داد.

بازرگان دعوت به سازش می کند

با این همه "حوزه علمیه قم که نزد یکی آن با آیت‌الله خمینی قابل تاکید است به نخوروشن و مصممی از ادامه افشاگری های دانشجویان دفاع کرد و در اطلاعیه‌های بعدی ضمن هشدارهایی برای دقت عمل بیشتر، مواضع قاطع تری را در حمایت از ادامه افشاگری ها اعلام داشت.

اتخاذ چنین سیاستی از جانب شورای انقلاب قابل پیش بینی بود مواضع عناصر سرشناس و با نفوذ در شورای انقلاب قبل از اعلام سیاست رسمی آن راه را برای چنین پیش بینی هموار کرده بود. به علاوه هرگاه ترکیب طبقاتی شورای انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم که این پیش بینی بسیار آسان‌تر از آنچه تصور می رفت امکان‌پذیر بود.

آیت الله بهشتی و حجت‌الاسلام رفسنجانی، وزیر کشور، که هر دو از اعضای صاحب نفوذ شورا هستند بطور آشکاری از "انتظام" جاسوس امپریالیسم امریکا دفاع کرده و نارضایتی خود را از افشاگری ها اعلام داشتند.

نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست با آشکار شدن نخستین نشانه‌های کنترل سریعا واکنش نشان دادند. این نیروها به انحاء مختلف برای خنثی کردن توطئه‌های لیبرال‌ها از ادامه

حجت الاسلام خوئینی، که تا قبل از آمدن قطب‌زاده نقش درجه اول را در افشاگری های مرکز جاسوسی ایفا نموده است طی مصاحبه‌ای گفت:

"این همه اسنادی که در مرکز اسناد ساواک ایران وجود داشت کدام یک برای ملت ایران افشا شد از سوی دیگر آیا افشای جریانات انحرافی سیاسی مبارزاتی در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود"

"خوئینی" مشخصا از سیاست بازرگان سخن گفت و افزود در سیاست گام به گام از امریکا "سئوال می‌شود" و به این ترتیب او یک بار دیگر بر این واقعیت تاکید کرد که بورژوازی لیبرال، با امپریالیسم امریکا پیوند دارد. او موکدا بر این نکته تکیه کرد که "مسئله جاسوسی یک فرد نیست اگر جاسوسی فرد بود چندان فاجعه دردناک نبود. فاجعه این است که یک جریان انحرافی که می رفته است همه چیز انقلاب را قبضه کند و چه بسا در این جریان انحرافی عناصر صادقی را هم به درون خود جذب کرده باشد" مطرح است.

بازرگان به نمایندگی از دوستان خود در مقابل سخنرانی خوئینی عکس‌العمل نشان داد و گفت: **"آیا امریکا و دشمنان داخلی از سیاست به قول جنابعالی گام به گام بیشتر شاد می‌شدند یا از این که سازندگان و دست اندرکاران انقلاب اسلامی ایران در حساس‌ترین روزها به جان یکدیگر بیفتند؟"**

مبارزه طبقاتی بین خرده‌بورژوازی و بورژوازی لیبرال که بر سر تحکیم قدرت سیاسی جریان دارد، در پاسخ کوتاه بازرگان دقیقا انعکاس یافته است. بازرگان عضو شورای انقلاب از خوئینی طلب می‌کند که به سیاست سازش با او و یارانش تن در دهد و سیاست "هم سنخ‌های" خود را که برمسند شورای انقلاب تکیه زده‌اند، بپذیرد.

به این ترتیب همه شواهد حاکی از تشدید مبارزه خرده بورژوازی و بورژوازی لیبرال است. این مبارزه طبقاتی که در حقیقت اگر خواسته باشیم در ابعاد گسترده‌تری از آن سخن گوئیم، مبارزه‌ای است که در چهارچوب تضاد تاریخی ـ طبقاتی خلق با امپریالیسم صورت می‌گیرد که در مبارزه بین طبقات جامعه متجلی می‌شود و در شرایط مشخص کنونی جامعه ما، جهت عمده آن مبارزه بین طبقه کارگر، دهقانان و دیگر بخش‌های خرده‌بورژوازی از یکسو و بورژوازی وابسته که در شرایط فعلی توسط بورژوازی لیبرال رهبری می‌شود، از سوی دیگر است.

این یک مبارزه طبقاتی تمام عیار است

اگر نخواهیم خود را اسیر ملانقطی‌هایی سازیم که از مارکسیسم تنها این را آموخته‌اند که به ما ایراد بگیرند چرا این یا آن کلمه را آورده ایم بدون آن که به مضمون واقعی آنچه که ما در اعلامیه‌ها و مقالات خود از آن سخن می‌گوئیم توجه کنند و اتکای ما را نسبت به واقعیات زنده ای که هر روز و هر ساعت و حتی هر لحظه در جامعه در حال تحول ما می گذرد انگشت گذارند آن وقت می توانیم با صراحت تمام بنویسیم، آنچه در پیش روی ما جریان دارد یک مبارزه طبقاتی تمام عیار است.

در این مبارزه طبقاتی تمام عیار، طبقات سیمای واقعی خود را به نمایش می‌گذارند و هرگاه کسی باشد که "گوشی برای شنیدن، چشمی برای دیدن و قلبی برای طپیدن داشته باشد می‌تواند این مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش را تمیز دهد و تمامی تحولات و رویدادهای سیاسی جامعه ایران را با این معیار مورد تفسیر و ارزیابی عینی قرار داده و تاکتیک‌های مناسب را اتخاذ کند.

نخستین و ابتدائی ترین وظیفه کمونیست ها این است که بر این مبارزه طبقاتی تکیه کنند. مبارزه طبقاتی که تمام سلول‌های جامعه را در بر گرفته است در کارخانه می‌جوشد، در روستا می‌خروشد، در بازار می‌خراشد، در کوچه و خیابان، مدرسه و دانشگاه و روی دیوارهای شهر و ده و حتی در اتوبوس ها و تاکسی‌ها، در هر کجا که اثری از طبقات هست می‌توان تجلی آشکار و بارز آن را دید و لمس کرد.

امروز و هر روز که می گذرد، تزها و ترهات کسانی که هر پدیده سیاسی را جدا از مضمون عینی و طبقاتی آن ـ البته نه در حرف بلکه در کردار ـ مورد ارزیابی و تفسیر قرار می‌دهند، و با بافته های مجرد ذهن خود در می‌آمیزند، در مقابل چشمان ما رنگ می بازد و بی جان تر می‌شود.

کم کم بسیاری متوجه می‌شوند که باید سیل خروشان "مبارزه طبقات را باور کنند. سیلی که بورژوازی لیبرال نابودی خود را در آن می بیند و کمونیست‌ها بر بستر همین سیل ساختن تاریخ را باور دارند.

اشتباه خواهد بود اگر تصور کنیم تنها بورژوازی لیبرال است که از این "سیل" هراسناک است. همه آنهائی که در کنار این سیل خروشان به نظاره ایستاده‌اند، با همه ادا اطوارهای کمونیستی‌شان در این هراس به سر می‌برند.

نکته‌ای که در وهله اول پرواضح می‌نماید، اتفاقا آغاز پیچیدگی‌هائی است که در چشم اندازها خودنمایی می‌کند زیرا تمام هنر رهبری سیاسی از اینجا برمی‌خیزد که ما اولا قادر باشیم مناسبات بین طبقات را همانطور که در واقعیت وجود دارد درک کنیم ثانیا مواضع خود را در برابر این واقعیات به نحوی تنظیم کنیم که به تغییر انقلابی واقعیات منجر گردد.

آنان که سیاست خرده‌بورژوازی را سراسر ارتجاعی می‌دانند و به مبارزات ضدامپریالیستی خرده‌بورژوازی که اینک در پیکار خرده‌بورژوازی علیه بورژوازی لیبرال برای تحکیم مواضع قدرت سیاسی تجلی می‌یابد، باور ندارند، صرفنظر از ذهنیات و ادعاهایشان عملا در آغوش بورژوازی لیبرال در می غلطند و کسانی که تلاش می‌کنند طبقه کارگر را به دنباله‌روی از خرده‌بورژوازی وادارند و از تشکل واقعی طبقه کارگر جلوگیری کنند، آنها هم در خدمت بورژوازی لیبرال قرار می‌گیرند و در نهایت آب به آسیاب امپریالیسم می ریزند، چرا که در غیاب تشکل طبقه کارگر و در غیاب صف مستقل طبقه کارگر، سرانجام خرده‌بورژوازی که در عصر کنونی توان تاریخی رهبری پیروزمند انقلاب دمکراتیک را ندارد به جای آن که رهبری پرولتاریا را بپذیرد به دنبال بورژوازی لیبرال خواهد رفت و بدین ترتیب شکست استراتژیک جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق های ایران قطعی خواهد شد.

با همین ارزیابی کمونیستی است که ما ایمان داریم طبقه کارگر باید در مبارزه علیه بورژوازی لیبرال قاطعانه شرکت جوید و مرتبا فرق میان سیاست پیگیر خود را با سیاست ناپیگیر خرده‌بورژوازی به توده‌ها توضیح دهد و بطور مشروط از خرده بورژوازی حمایت کند. تا در جریان پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق و در روند مبارزه آگاهی و تشکل خود را ارتقاء دهد، بر حیثیت و اعتبار خود در سطح جنبش بیفزاید و سرانجام رهبری خود را در جنبش تامین نماید و پیروزی انقلاب دمکراتیک خلق های ایران را امکان‌پذیر سازد.

---

* " شورای انقلاب " درعمل با تمام امکانات کوشش دارد تاثیر و دامنه توده‌ای افشاگری‌های کنونی را محدود کند و بخصوص از عمق طبقاتی آن بکاهد.

* طبقه کارگر باید در مبارزه علیه بورژوازی لیبرال قاطعانه شرکت جوید و مرتبا فرق میان سیاست پیگیر خود را با سیاست ناپیگیر خرده‌بورژوازی به توده‌ها توضیح دهد و بطور مشروط از خرده بورژوازی حمایت کند.

* آیت‌الله خمینی سیاست محتاطانه‌ای را در پیش گرفت و درسخنرانی که دراواخر هفته گذشته برای پرسنل شهربانی که به دیدار او آمده‌بودند، ایرادکرد، یکباردیگر تاکید کرد که در جمهوری اسلامی، تفاوت‌ها و تمایزات طبقاتی "معقول"، "محترم" و "مقدس" شمرده‌می‌شود.

* مبارزه طبقاتی بین خرده‌بورژوازی و بورژوازی لیبرال که برسر تحکیم‌قدرت سیاسی جریان‌دارد، درپاسخ کوتاه بازرگان دقیقا انعکاس یافته‌است.

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

کار
اخبار وگزارشات کارگری
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۶

نفتگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان (قسمت دوم)
علیه شرکت‌های امپریالیستی درجنوب

درشماره‌پیش شرح بهره‌کشی و غارت شرکت‌های امپریالیستی وحامیان ایرانی آنان‌را، ازکارگران‌میهنمان، خواندید، دراین بخش شرحی‌کوتاه ازوضعیت کارگران وروابط آنان باکارفرما می‌خوانید. ادامه این گزارش در شماره آینده کار خواهدآمد.

وضعیت کارگران حفاری، شرایط عمومی و روابط آنان با کارفرما

از ۴۳۷۰ نفر کارکنان ایرانی شرکت‌های حفاری وخدمات جنبی بخش اعظم آن راکارگران حفاری تشکیل می‌دهندکه اززحمتکش‌ترین بخش های طبقه کارگرایران هستند. علاوه براین هانعداد زیادی‌کارگر ساده نیزبه صورت پیمانی برای این شرکت ها کار می کردند. که کارشان عمدتا نگهبانی، حمل ونقل موادو تجهیزات درسر چاه‌هاوپادوئی بخصوص برای خارجیان بود.

کارگران پیمانی عمدتاازمیان روستائیان بی زمین وفقیرنزدیک محل چاه وبه صورت فصلی از طریق شیخ، خان‌یاکدخدای محل استخدام می شدندودرمیان آنها تعداد زیادی پیرمردوکودک نیز دیده می شد. شرکت های امپریالیستی درازاء استثمار آنان روزی حدود ۱۰۰ تومان به شیخ خان‌یاکدخدا ـ که نقش پیمانکار نیروی‌انسانی‌رابازی می‌کرد ـ می دادند. واین پیمانکارتنها بخشی ازاین مبلغ (وحداکثر ۵۰ تومان‌آن رادرروز) به‌کارگران پرداخت‌می‌کرد. این‌کارگران‌بغیر ازاین دریافتی ازهیچ گونه حقوق ومزایای دیگر برخوردار نبودند ودرحالی که درزیرگرما ی ۵۰ درجه تابستان جنوب‌وباران‌و سرمای زمستان وبه‌جان خریدن هزاران خطر، ازجمله خطر انفجار وآتش سوزی چاه، جان می کندند. حتی حق استفاده از آب آشامیدنی درسرچاه را نداشتندومجبور بودند باطی مسافت های طولانی ودرشرایط سخت تمام‌نیازهای خود راازدهکده‌های دور ونزدیک فراهم نمایند. نحوه رفتارخارجیان با این کارگران مثل رفتار باوحوش بود.

برای کارگران رسمی نیزشرایط چندان بهترنبود. حقوق، مزایا وحداقل شرایطی که حتی در قانون کارآریامهری هم تائیدشده بود، درمورد این کارگران رعایت نمی شد.

نحوه کاراین کارگران به‌این ترتیب بودکه آنان دوهفته را بدون‌تعطیل دردونوبت ۱۲ساعته روزکارباشب کار، درسرچاه کار می کردند ویک هفته رابه استراحت‌می رفتند. به این ترتیب ساعات کاررسمی آنان به ۵۶ ساعت درهفته‌می رسید. بدون این که دربرابر تفاوت این ساعات کار، باساعات کار هفتگی مقرردرقانون‌کار آریامهری" (یعنی ۴۸ ساعت) دینارِی اضافی دریافت دارند. گاه‌می‌شد که‌کارگران به‌جای ۱۲ ساعت‌کار تا ۱۸ساعت درروز بطور بی وقفه کارمی کردند درحالی که‌هیچ گاه بیش از۴ساعت فوق العاده درروز به‌آنان پرداخت‌نمی شد. خستگی مفرط ناشی ازچنین جان کندنی تعداد مرگ ومیروتصادف‌ونقص عضو دراثر خستگی راافزایش می داد. تازه پس ازاین‌کار طولانی، کارگران‌می بایست گاه پیاده مسافت محل حفاری را تا استراحت گاه ـ که‌حتی به چند کیلومتر هم می رسید ـ بپیمایند، تابتوانند "استراحت" کنند. یکی ازکارگران می گفت‌که "ما پس از۱۲ تا۱۶ ساعت کار آنچنان خسته‌ایم که درحقیقت بقیه شبانه روز رااستراحت نمی کنیم بلکه‌درسیهوشی به‌سر می بریم."

درمحل حفاری هیچ گاه وسایل ایمنی لازم برای شرایط خطرناک عملیات حفاری وجود نداشت. خستگی مفرط ناشی‌ازکار، نبود وسایل ایمنی وخطرناک بودن شرایط‌کار، آمار بیماری، تصادفات وزخمی شدن ها را بالامی برد. ولی درمحل حفاری نه درمانگاه وداروئی یافت‌می شد ونه‌حتی وسیله‌ای برای حمل زخمی ویابیمار به بیمارستان وجودداشت. کارگری می گفت.

"روزی ناچار شده است با انگشت بریده‌پیاده خود رااز‌سر چاه به‌نزدیک ترین جاده برساند تاشایدبتواند خود رادرشهر معالجه کند. درحالی که هرگاه یک خارجی حتی سردرد هم می گرفت تمام وسایل‌وتجهیزات برایش فراهم بود."

تازه پس از دوهفته کاردر چنین شرایطی کارگران باید به محل زندگی خود درشهرهای دور ونزدیک می رفتندکه اغلب دوروز ازیک هفته استراحت آنان صرف این‌کارمی شد. شرکت های امپریالیستی حفاری وخدمات جنبی درتمام طول این سال های غارت وبهره کشی هیچگونه اقدامی برای‌تهیه مسکن برای کارگران خود نکردند. همچنین برای پائین نگاه‌داشتن آگاهی کارگران نه‌تنهاآموزش های عمومی وتخصصی به‌آنان داده نمی‌شدبلکه‌بااستثماروحشتناک آنان‌عملا امکان مطالعه‌داوطلبانه آنان رااز آنهامی گرفت.

کار چاق کن های امپریالیسم دراین شرکت هابرای‌استثمار هرچه بیشتر کارگران ازشیوه های گوناگون سرکوب وتفرقه افکنی استفاده‌می کردند. به‌عنوان مثال هرگاه کارگری سه ماه را بدون تصادف یابیماری کار می کردبه او کفش ولباس کار داده می شدودرصورت هرگونه حادثه یابیماری از این "جوایز" محروم می گردید. ولی دیگر کارگران آن رادریافت‌می کردند. نتیجه این که اولا خود کارگر حتی درصورت بیماری یازخمی شدن‌نه‌تنهاجریان راگزارش‌نکرده ودرخواست معالجه واستراحت نمی نمودبلکه سعی داشت این امر راازروسای خارجی وایادی "ایرانی" شان بپوشاند. ثانیا، دیگر کارگران چون خود اواین "جایزه" هارادریافت می‌کردند درصدد حمایت از همکارخود نبودند. انگار بیماری یاحادثه برای کارگر گناه نابخشودنی‌ای بودکه‌وی‌مرتکب نمی شد: درمحل "استراحت گاه" نهارخوری‌و خوابگاه کارگران ازکارمندان جدا بود. شرایط استراحت گاه و کیفیت غذایی که به کارگران‌داده می شدچنان بدبودکه هرکس‌را به یادسربازخانه‌های رضاخان می انداخت. حداقل دستمزد کارگران تاهمین اواخر روزی ۲۵ تومان بود. یک مکانیک یابرق‌کار ایرانی بطور متوسط ماهی ۴ـ۶ هزارتومان حقوق می گرفت. در حالی‌که حقوق یک خارجی‌در همان شرایط تا ۳۱ هزار تومان درماه‌می رسیدوشرکت حفاری به‌حساب همان مکانیک یابرقکار ایرانی ماهانه ۳۷٫۵۰۰ تومان ازشرکت نفت دریافت‌می کرد. به‌این ترتیب کارگران ایرانی ناچاربودنددرسخت ترین شرایط کار تن به اضافه‌کاری ودرنتیجه خستگی مفرط، فشارهای عصبی، بیماری وپیری زودرس وتصادف و مرگ بدهند. تازه درهمین شرایط سخت کارگرارن امپریالیسم وعمال داخلی آنان که‌اروجود نیروی کار ارزان وبیگاری‌کارگران ایرانی مطلع بودند، هرکارگر را به‌راحتی پس ازچند سال جان کندن برای جلوگیری‌ازادعای اودرمورد حقوق خود، به هزارو یک بهانه‌اخراج‌می کردند. در تمام طول سال‌های گذشته هزاران کارگر حفاری که جوانی‌و نیروی کارخود رابه بیگاری برای امپریالیسم هدرداده بودند، بی دلیل اخراج وبه ارتش ذخیره بیکاران پیوستند. بدون این که به‌خاطر محدودیت‌ناشی‌از ویژگی تخصص خود بتوانندکاری برای خوددست وپاکنند.

بنابراین طبیعی بودکه‌کارگران حفاری بهره‌کشی امپریالیسم وسرمایه‌داری‌وابسته به‌آن راهمراه باستم‌ودیکتاتوری رژیم دست نشانده‌اش باتمام وجود حس کرده وسرشار ازنفرت‌طبقاتی به‌این دشمنان خود باشند و باشروع جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک سال گذشته به پا خاسته وفعالانه درآن شرکت کنند. به‌روشنی پیدااست که چگونه هدف طبقه کارگر ایران درمبارزه باامپریالیسم، متوجه نابودی سرمایه‌داری وابسته‌به آن وگام گذاشتن درمسیر تحقق سوسیالیسم می باشد.

ادامه دارد

تسلیم ناپذیری و تشکل کارگران سرچشمه پیروزی آنهاست

کارگران بیکارپروژه‌ای بندرخمینی (شاهپورسابق) که‌درشرکت "استون و ویبستر" که‌ازحمله شرکتهای غارتگر امریکائی است، کارمی‌کرده‌اند، در شهریورماه گذشته شکایتی تنظیم و تسلیم اداره‌کار بندرکردندتاضمن رسیدگی‌به چپاول‌وبهره‌کشی‌شرکت، حقوقی راکه بابت عائله‌مندی ـ مسکن ـ ایاب و ذهاب و... به کارگران تعلق می‌گرفته ولی شرکت ازپرداخت آن‌خودداری می‌کردوبه حساب کارفرامنظورمی‌داشت، نقدا به‌آنان مسترد نماید. بااینکه این شکایت طی این‌مدت‌ازجانب نمایندگان کارگران مصرادنبال واعتراضاتی نسبت به تعلل اداره کار در رسیدگی به‌این مسئله نیز می‌شده‌است، بااین‌حال چندی پیش کارگران مطلع می‌شوندکه مسئولین اداره‌کار درصدد برآمده‌اند، پرونده‌رابه نفع کارفرمایان امریکائی فیصله‌دهند. قضیه ازطرف نمایندگان‌کارگران فورا تعقیب و صحت‌وسقم آنرا خواستارمی‌شوند. اداره‌کارازجواب طفره می‌رودولی درقبال پافشاری نمایندگان ناچارمی‌شوداعلام نتیجه رابه روز۱۲آذرماه موکول نماید. روزموعود وقتی کارگران برای‌کسب نتیجه در اداره کار اجتماع می‌کنند، مواجه باراای اعلام‌شده شورای حل اختلاف می‌شوندکه به‌سودکارفرماصادر شده‌است. رسواتر ازهرچیز دلیل شورای حل اختلاف ورئیس اداره کار، صالحی، درتوجیه‌این‌کاربوده است که استنادبه قوانین دوره رژیم مزدور وسرسپرده پهلوی!! می‌کند و می‌گوید.

"چون این‌مسئله‌مربوط به دوره طاغوت‌بوده، ماهم‌باید باقوانین دوره طاغوت‌رای‌خودراصادرکنیم"

کارگران ازاین عمل خشمگین شده و رای رامردوداعلام می‌کنند.

فردای روزبعدکارگران مجددا در اداره کار جمع می‌شوند و نمایندگان سندیکای کارگران پروژه‌ای به منظور بیان اعتراض کارگران، درخواست ملاقات با فرماندار و رئیس اداره کار را می‌کنند، ولی نه‌فرماندار ونه رئیس اداره کارهیچکدام در پست‌هایشان حاضرنبوده وحتی‌در منازلشان نیزدیده نمی‌شوند!!

نمایندگان، توطئه غیبت مسئولین اموررابرای کارگران افشاء می‌کنند وقرارمی‌شودکه روز شنبه ۱۷ آذرماه بازهم دراداره کار ماهشهر اجتماع‌کرده واعتراض خودرا ادامه دهند.

روزچهارشنبه ۱۴آذرنمایندگان کارگران سندیکای پروژه‌ای آبادان موفق می‌شوند بافرماندار، بخشدار ورئیس اداره کار ماهشهر (صالحی) وفرمانده‌ژاندارمری مذاکره نموده‌و مخالفت کارگران رانسبت به‌رای صادره ازطرف شورای حل اختلاف به آنان ابرازدارند. وقاحت اینجا است که‌کسانی که‌خود در زای‌دادن علیه کارگران نقش داشته‌اند، به نمایندگان کارگران قول مساعد می‌دهندکه.

"برای احقاق‌حقوقتان اقدام خواهیم‌کرد!"

روزشنبه مطابق قرارقبلی، بیش از ۶۰۰نفرکارگر پروژه‌ای ماهشهر وآبادان در اداره‌کار حاضرشده و هریک به پرده‌دری ازچهره کریه اداره کاروافشای رای صادره می‌پردازند و درآخر کارهمگی تصمیم می‌گیرندکه‌برای اعتراض به رای صادره در اداره کارتحصن کنند.

ساعت ۱۲/۳۰ دقیقه‌فرماندار به محل تجمع می‌آید وبه‌سفسطه می‌پردازدکه.

"برادران کارگر! بایدبدانندکه اداره کاربرنامه‌اش چهارچوب مشخصی دارد، شهرماهم کوچک است ومانمی‌توانیم ازعهده چنین خواسته‌هائی برآئیم."

اما کارگران پاسخ این‌استدلال سفیهانه فرماندار را می‌دهند، بطوری‌که یکی ازکارگران‌می‌گوید.

"مهم نیست ماکارگران برای گرفتن‌حقوقمان‌شهادت راانتخاب کرده‌ایم."

فرماندارکه می‌بیندنمی‌تواند درمقابل خشم کارگران‌حرفی بزند به‌ناچارمی‌گوید.

"اگر رای درشورای عالی کار بشکند، رای مجدد به‌نفع‌کارگران صادرخواهدکرد"

وقراربراین‌می‌شودکه‌نمایندگان کارگران سندیکای پروژه‌ای به شورای عالی کاربروندوبرای‌ابطال رای صادره پی‌گیری کنند.

کارگران پروژه‌ای یکباردیگر درپرتو همبستگی مبارزه‌حق‌طلبانه خود، به‌خدمتگزاران‌امپریالیسم که می‌پنداشتند می‌توانندحقوق مطالبه شده‌آنان‌رابه نفع غارتگران امریکائی زیرپابگذارند، درسی از اراده و تسلیم‌ناپذیری کارگری نشان دادند.

بدون شک مبارزه‌کارگران برای ابطال قوانین ضدکارگری‌گذشته‌و تهیه و تدوین قوانین جدیدکار توسط نمایندگان واقعی کارگران، با اراده و همبستگی طبقه کارگر ایران امکان پذیر خواهدبود.

اراده وهمبستگی کارگران‌بیکار پروژه‌ای استوار باد

نقل به‌اختصاراز"کارجنوب" شماره ۱۵

● **کارگران‌پروژه‌ای یکباردیگردرپرتو همبستگی‌مبارزه‌حق‌طلبانه خود، به خدمتگزاران امپریالیسم که می‌پنداشتند می‌توانند حقوق مطالبه شده آنان رابه نفع غارتگران امریکائی زیر پا بگذارند، درسی از اراده وتسلیم‌ناپذیری کارگری‌نشان دادند.**

کار مسکن آزادی

کار

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۷

(قسمت دوم)

بمناسبت صدمین سالگرد تولد رفیق حیدر عمواوغلی

«هرچه حیدرخان بگوید راست است»

(ستارخان)

این مقاله ادامه بزرگداشت صدمین سال تولد رفیق حیدر عمواوغلی است که درشماره قبل "کار"، بخش نخست آن به چاپ رسید، دربخش پیشین بطوراختصار به شرح سال‌های کودکی و جوانی حیدرعمواوغلی که همزمان باسال‌های تکوین انقلاب مشروطیت ایران بود، پرداختیم.
دربخش دوم (قسمت آخر) این مقاله به نقش عملی رفیق حیدر عمواوغلی در انقلاب مشروطیت و انترناسیونالیسم پرولتری می پردازیم.

تهاجم تبریز وحیدر عمواوغلی

سال ۱۲۸۶ (۱۹۰۷) ایران توسط دودولت روسیه، تزاری وامپریالیسم انگلیس به مناطق نفوذ تقسیم شد. انقلاب ازهرسو به مخاطره افتاده بود. روحانیون مرتجع زیررهبری "شیخ فضل الله نوری" درکشتارآزادیخواهان وانقلابیون وشکست جنبش مشروطیت، محمدعلی میرزا را تشویق می کردند. محمدعلی میرزا به کمک حامیان خود مجلس را به توپ بست وکشتار وسیعی درتهران راه انداخت تهران موقتا سقوط کرد. دراین هنگام تبریز به صورت کانون اصلی مبارزه علیه استبداد درآمد. نبض انقلاب در تبریزمی طپید.

رفیق حیدرعمواوغلی، برای تدارک سازماندهی مقاومت مسلحانه مردم تبریزکه به رهبری ستارخان شکل گرفته بود به باکورفت وبه جمع آوری پول واسلحه پرداخت. او مجاهدین وفدائیان تبریز رابرای مقاومت مسلحانه خلق سازماندهی نمود وهفتصدداوطلب گرجی رانیزبه منظور تقویت پیکارقهرمانانه مردم تبریز به آذربایجان گسیل داشت.

تبریز قهرمانانه به دفاع ازدستاوردهای انقلاب برمی خیزد.

درمحاصره سیزده ماهه تبریز، نقش سازمانده حیدر عمواوغلی وسوسیال دمکرات‌هائی همچون "علی موسیو" موردتائیدهمه مورخین مشروطیت است. سوسیال دمکرات‌های انقلابی سازماندهی بسیاری از "باریگادها" را برعهده داشتند. وفداکاری وقهرمانی های آنان همواره سرمشق درخشانی برای انقلابیون کمونیست است. حیدر عمواوغلی درجریان محاصره تبریز، نقش فعالی در درهم شکستن پشت جبهه دشمن داشت. ابتکارات انقلابی اودراین دوره درتاریخ مبارزات خلق های ایران ازشهرت خاصی برخوردار است. اودرسازماندهی فتح تهران نقش برجسته‌ای داشت. کاردانی وقاطعیت اوبدون اغراق یکی ازعوامل پیروزی انقلابیون به حساب می آید. نقش رفیق حیدرعمواوغلی درجنبش مقاومت تبریز وفتح تهران بااین کلام مشهور ستارخان درباره او، به روشن ترین شکلی آشکارمی شود. ستارخان قهرمان بزرگ نهضت مشروطیت همواره می‌گفت "**هرچه حیدرخان بگوید همان است**".

دشمنان خلق با نام "مشروطه‌خواه" به قدرت می خزند

پس ازفتح تهران دشمنان خلق های ایران تیرنگ تازه سازمی کنند. آنهاخود رادوستان مردم معرفی کرده باماسک مشروطه خواهی زمام امور رابه‌دست می گیرند. آنچه که پس ازفتح تهران برتوده‌های قیام کننده گذشت شباهت‌های فراوانی به واقعیات امروز میهن مادارد.

فئودال‌ها، تجار بزرگ، سرسپردگان امپریالیسم، یعنی "مستوفی الممالک ها" و "الدوله ها" و "امین التجارها" به‌قدرت می خزندوازهمان آغاز کوشش می‌کنند بادستگیری وخلع سلاح انقلابیون وبدنام کردن نیروهای مبارز و استفاده ازاحساسات مذهبی مردم راه رابرای غلبه بیشتر خود هموار کنند.

حکام به قدرت رسیده ستارخان راباحیله ونیرنگ به تهران فرامی خوانندوافراد اوراخلع سلاح می کنند. سیدعبدالله بهبهانی به‌کمک بخشی ازروحانیون مرتجع بااستفاده ازاحساسات مذهبی مردم قدرت بلامنازع می‌یابد. حزب اعتدالیون که توسط فئودال ها، اشراف، تجاربزرگ وحامیان امپریالیست آنان سازمان یافته بود، توسط روحانیت مرتجع حمایت می شود. ومهره‌های انگلیسی یکی پس ازدیگری برسرکار گمارده می‌شوند.

حیدرعمواوغلی ودمکرات‌هابرای سازماندهی مقاومت مردم، حزب دمکرات را ایجاد می کنند. اساسنامه این حزب نشاندهنده نقش فعال حیدرعمواوغلی وسوسیال دمکرات های انقلابی آن دوره درسازماندهی وفعالیت‌های این حزب است. حزب دمکرات به افشاء دشمنان مردم که قبای دوستی برتن کرده بودند وعوامفریبانه خودرا "انقلابی"، "مشروطه خواه"، "طرفدار مردم" جا می زدند، می پردازدونفوذ فوق العاده‌ای درمیان توده‌هاپیدامی کند. طی این سال ها تمامی سنگرهای انقلاب توسط حاکمان به ظاهر مشروطه خواه درهم کوبیده

حیدرخان عمواوغلی درلباس افسری ژاندارمری

می شود. انقلابیون موردتعقیب، حبس واعدام قرار می گیرند وبیش ازهمه سوسیال دمکرات های انقلابی موردآزار قرارمی‌گیرند. انجمن‌های توده‌ای درهم شکسته می‌شودوحقوق وآزادی‌های سیاسی از آنان سلب می گردد یورش به نهضت‌های مقاومت یکی پس ازدیگری سازمان داده می شود. نهضت "کلنل‌پسیان" درخراسان، خیابانی درتبریزدرهم کوبیده می‌شودوبرای درهم کوبیدن "نهضت جنگل" توسط فئودال ها، سازشکاران، اشراف وامپریالیسم انگلیس زمینه چینی می‌شود. زندگی حیدر عمواوغلی دراین دوران نیز سرشار ازایمان به خلق، فداکاری درراه آرمان‌های آنان وسرسختی دردشمنی با خلق‌های ستمدیده وزحمتکش است.

شرکت درکنگره پراگ و ملاقات با لنین

رفیق حیدرعمواوغلی طی این سال ها، ازیک سوبه شرکت فعال درنهضت مقاومت بخصوص "نهضت جنگل" پرداخت وازسوی دیگردرانجام وظایف انترناسیونالیستی استواری وپشتکاردرخور ستایشی ازخود نشان داد.

درسال ۱۹۱۲ به کنگره پراگ رفت ودرآنجابالنین ملاقات نمودودرباره مسائل انقلاب ایران به رایزنی پرداخت. اوبه‌هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، درروسیه بود وفعالانه درانقلاب شرکت داشت.

رفیق حیدرعمواوغلی ریاست هیات نمایندگی ایران رادرکنگره شرق به عهده‌داشت ودرکنگره خلق‌های خاور زمین نیزکه درباکوبرگزار شد، اصول برنامه لنینی مبارزه مردم خاور رامی پذیرد. اودراتخاذ برنامه درست حزب کمونیست ایران نقش برجسته‌ای بازی می کند. وی‌دراین هنگام، رهبری‌حزب‌کمونیست ایران رابرعهده داشت وبا مجاهدت های خود، دروحدت صفوف انقلابیون ایران، اتحاد عمل انقلابیون درنهضت جنگل و "پیروزی جمهوری سرخ گیلان" سهم درجه اول داشته است.

برنامه رفیق حیدرعمواوغلی جهت برقراری نظم نوین برترهائی استواراست که حاکی ازنبوغ ودیدعمیق وی است. اودراین ترتحلیل مختصری ازساخت اجتماعی ـ اقتصادی جامعه وترکیب طبقاتی آن ارائه می دهد و چنین نتیجه‌می گیرد:

"تمامی طبقات نامبرده دربالااینک ۱۵ سال است در حال‌جوش وخروش انقلابی هستند وبدتر شدن وضع اقتصادی آنهاموجب افزایش انرژی انقلابی آنهااست و انفجار انقلابی راناگزیرمی سازد. ضمناروشن است که مرحله‌اول نهضت انقلابی باید رنگ رهائی بخش ملی داشته باشد..."

رفیق حیدر به‌این نتیجه‌می رسدکه وظایف حزب کمونیست ایران (عدالت) بایدبرپایه اصول زیرین‌باشد:

"۱ـ ایجاد عده زیادی کادر محکم حزبی که حزب بتواند به وسیله آنان رهبری مستقیم برتوده‌های وسیع طبقات زحمتکش رادردست بگیرد.

۲ـ گردآوردن همه‌نیروهای انقلابی کشوردراطراف حزب زیر پرچم نهضت آزادیبخش ملی علیه امپریالیست‌های خارجی ومبارزه بادولت شاه که به خارجی هافروخته شده است.

۳ـ تبلیغ وتهییج وسیع که چشم وگوش مردم رابه‌نقش امپریالیسم جهانی درظلم وتعدی نسبت به‌توده های خلق وهمچنین چشم مردم رابه سیاست انگلیس‌در ایران بازکند وبدین ترتیب حتی نفرت آنان راعلیه اشغالگران خارجی برانگیزد.

۴ـ کارتبلیغاتی دامنه داردرمیان دهقانان و مستمندان شهری به منظور ایجاد آگاهی طبقاتی در میان‌آنان.

۵ـ کارتشکیلاتی وسیع بین طبقات زحمتکش، ایجاد اتحادیه‌ها ومساعدت وگسترش نهضت سندیکایی‌وتعاونی‌و دادن محتوای انقلابی به آنهاورهبری مشی سیاسی‌آنها.

۶ـ ایجاد نیروهای مسلح انقلابی ملی برای مبارزه علیه امپریالیست‌های خارجی ودولت شاه.

۷ـ سرنگون ساختن دولت شاه وایجاد نظام سیاسی نوینی که ازلحاظ سازمانی شکل حکومت شوروی داشته باشد..."

رفیق حیدردربرنامه حداقلی که ارائه می دهد دربند ۲ (قسمت اقتصادی) برای نارسائی های جامعه وایجاد نظم نوین راه حل زیر راارائه‌می دهد.

۱ـ ایجاد فوری راه آهن‌میان مراکز عمده ایران.

۲ـ ایجاد اعتبار برای اصلاح اراضی‌درتمام کشور تا دهقانان‌وباغداران کوچک بتوانند ازدارائی دولت وام ارزان به‌دست آورند.

۳ـ تاسیس بانک های تعاونی برای ایجاد شبکه وسیعی ازتعاونی های‌مصرف وتولیدوتامین صنعتگران وپیشه‌وران ازحیث اعتبارات ارزان.

۴ـ ایجاد فوری یک رشته ساختمان های آبیاری‌ونهر وچاه برای سهولت رساندن آب.

۵ـ مساعدت ازطرف دولت برای ایجاد وتوسعه صنایع ملی.

۶ـ بهره‌برداری ازمعادن نفت.

۷ـ بهره‌برداری ازبعضی فلزات ومعادن اساسی با وسایل دولتی.

۸ـ مقامات حزبی برای دفاع ازمنافع‌توده‌های‌زحمتکش بایدبه‌تشکیل اتحادیه‌درهریک ازرشته‌های تولیدی‌وایجاد اتحادیه کارگران وکارمندان دولت، اتحادیه شاگردان پیشه وران شهری، اتحادیه مستمندان روستائی مساعدت کنند وآنهارادرشورای اتحادیه‌های ولایتی متحدسازند."

درموردحل مسئله ارضی برنامه زیر راارائه می دهد:

"۱ـ ملی کردن املاک مزروعی بزرگ وایجاد ذخیره زمین‌های ملی از این املاک.

۲ـ واگذاری املاکی که بیش ازحد نصاب معینی‌است‌به مالکیت کامل‌دهقانان نیازمند.

۳ـ به دهقانی که درنتیجه عدم کفایت املاک خصوصی‌زمین نرسیده باشدبایدازززمین‌های متعلق‌به‌دولت قطعه زمین لازم داده شود.

۴ـ تمام ایلات وعشایر کوچ نشین کشور مارانیز باید ازلحاظ زمین تامین نمود.

وبااین حملات برنامه حداقل رابه پایان می رساند:

"مابانجام این تدابیر فقط مرحله اول مبارزه در راه برانداختن کامل استثمارانسان را به‌پایان‌می‌رسانیم. پس ازآن حزب ما مبارزه خودرا بانیروئی خلل ناپذیر در راه پیروزی آرمان‌های بزرگ سوسیالیسم که‌بدون آن‌خلق‌های عقب مانده قادر نیستند ازسیستم جهانی آزاد گردند، ادامه خواهد داد."

پشتیبانی ازهیئت نمایندگی خلق کُرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
چهارشنبه ۱۲ دی ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۸

سالگرد نبرد مسلحانه خلق فلسطین گرامی باد

سالگرد آغاز نبرد مسلحانه خلق فلسطین را علیه صهیونیسم و دولت‌های امپریالیستی حامی آن ، به خلق فلسطین تبریک می گوئیم .

خلق قهرمان فلسطین در سال‌های‌گذشته با جانبازی و اراده آهنین خود و نثار هزاران شهید ، ضرباتی سنگین بر پیکر صهیونیسم‌وامپریالیسم جهانی وارد آورده و خدماتی گرانبها به جنبش های آزادی‌بخش جهان کرده‌است .

مطمئنیم که خلق قهرمان فلسطین سرانجام شکست کامل صهیونیسم و پیروزی قاطع خودرا در وطن خویش جشن خواهدگرفت . خلق‌های قهرمان ایران ، پیروزی خلق فلسطین را پیروزی خود و مبارزه خود را مبارزه خلق فلسطین می‌دانند .

راه سرخ بهروز بهروزنیا ادامه دارد

پرسنل انقلابی نیروهای‌مسلح آذربایجان طی‌اعلامیه‌ای‌تیرباران سنوان بهروربهروزنیا را محکوم کرده واعلام کرده‌اند :

"ماپرسنل انقلابی نیروهای مسلح آذربایجان ضمن محکوم کردن اعدام‌این افسرانقلابی بار دیگرپیوند خودرا باخلق‌های زحمتکش میهنمان اعلام‌کرده و در راه رهائی زحمتکشان میهنمان از ستم طبقاتی وملی مبارزه خواهیم‌کرد ."

اعدام مجاهدین احمد و عبدالحسین عسکری را محکوم می‌کنیم

درطول چندماهی که از قیام شکوهمند خلق‌های ایران می‌گذرد، نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی هیچ‌وقت ازتعرض‌عوامل‌امپریالیسم و مرتجعین کوردل مصون‌نبوده‌اند دراین فاصله ماشاهد بازداشت ، شکنجه ، زندان و اعدام انقلابیون فراوانی بوده‌ایم .

ازجمله طبق اطلاعات موجود دوتن از فعال‌ترین چهره‌های سیاسی و مذهبی سروستان‌بنام‌های احمد و عبدالحسین عسکری که‌در بازداشت دادگاه انقلاب‌اسلامی قم‌بودند ، توسط مرتجعین به شهادت رسیدند .

احمد و عبدالحسین عسکری‌در ارتباط باراهپیمائی ۲۶ تیرماه که به مناسبت حمایت از "سعادتی" مجاهدزندانی برگزارشده‌بود ، دستگیر و در دادگاه انقلاب‌شیراز به اعدام محکوم‌شده‌بودند .

این دوشهید بعدا به قم منتقل شده‌و درآنجا به طرز فجیعی به شهادت می‌رسند .

ما ، کشتار مجاهدین احمد و عبدالحسین عسکری را محکوم می‌کنیم و یاد این دوشهید خلق را گرامی می‌داریم .

کمک‌های مالی دریافت‌شده:

کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال	کد	مبلغ به ریال
م ۵۵۵	۵۰۰۰	م ۶۱۷	۱۰۰۰	ک ۱۲۲	۱۰۰۰۰
ع ۱۱۱	۵۰۰۰	ح ۱۲۰	۵۰۰۰	ن ۴۴۴	۲۰۰۰
۲۴۵	۵۰۰۰۰	م ۱۲۸	۵۰۰۰	ب ۱۶۳	۵۰۰۰۰
۹۰	۵۰۰	ر ۷۹۰	۵۰۰۰	ج ۲۳۱	۱۵۰۰۰
ل ۳۴۲	۲۰۰۰	ح ۳۳۲	۱۰۰۰	ی ۴۲۸	۵۰۰۰
۳۷۶ـ۴	۱۰۰۰	ب ۶۹۹	۱۰۰۰	م ۲۲۶	۲۲۰۰۰
ص ۱۵۱	۵۰۰	م ۰۲۸	۵۰۰۰	م ۳۳۶	۲۰۰۰۰
ف ۱۰۰	۵۰۰۰۰	م ۱۹۵	۵۰۰۰	ص ۱۲۳	۵۰۰
ه ۴۱۳	۱۰۰۰۰	ع ۲۴۲	۲۰۰۰	الف ۹۹۹	۳۵۰
ع ۳۷۶	۱۰۰۰	۳۰۰	۵۰۰۰	ف ۱۰۳	۱۲۰۰
س ۷۷۹	۲۰۰۰	م ۷۲۲۸۴	۴۰۰۰۰	ر ۴۷۴	۲۰۰۰۰
الف ۴	۱۰۰۰۰	ر ۶۱۱	۵۰۵۷	ب ۳۰۰	۳۰۰۰
ح ۳۴۱	۱۰۰۰۰	۵۴۵	۵۰۰۰	ک ۹۲۰	۲۰۰۰۰
ع ۰۰۰۰	۵۰۰۰	م ۳۳۳	۱۵۰۰۰	ح ۲۱۹	۱۲۰۰۰
۵۵۵	۱۲۰۰۰	ع ۳۴۵	۲۰۰۰	ر ۲۳۸	۱۰۰۰۰
س ۴۵۶	۱۰۰۰۰	ف ۱۴۹	۱۰۰۰۰	ر ۱۱۷	۷۰۰۰۰
م ۳۵۷	۱۰۰۰۰	ت ۵۲۳	۵۰۰۰	د ۱۲۳	۱۲۳۰۰۰
		م ۱۳۰	۳۰۰۰۰		

توضیح درباره کمکهای مالی

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همواره تنها به‌حمایت مردم قهرمان ایران تکیه‌داشته‌وامروزهم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است .

کمک‌های مالی خود راازهرطریق‌که‌می‌شناسیدواطمینان دارید ، به‌دست‌رفقای‌سازمان‌برسانید . ازآنجاکه‌نمونه‌هائی‌دیده شده‌است‌که‌عده‌ای با مقاصدمختلف‌بااستفاده‌ازنام‌سازمان به جمع‌آوری‌کمک‌های مالی مبادرت کرده‌اند ، به‌دوستان ورفقا توصیه‌می‌کنیم‌برای اطمینان‌ازدریافت کمک‌هایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عددسه رقمی‌هم که خودشماانتخاب کرده‌اید ، همراه باحرف اول نام خودبه‌عنوان "کد" بدهید .

سازمان "کد" وحرف اول نام شماراهمراه بامبلغی که پرداخته‌اید درنشریه "کار" به‌چاپ می‌رساند . به‌این ترتیب شمااطمینان خواهیدیافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است . لازم به تذکر است‌که رابطه به‌هیچ وجه نباید یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد .

ماازهم میهنان مبارز می خواهیم بادقت کافی نسبت به این مسئله مانع ازسوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند .

کار

پانزدهمین شماره کارجنوب نشریه هفتگی سازمان چریکهای فدائی خلق‌ایران ، شاخه‌خوزستان انتشاریافت . دراین شماره کار جنوب ، طی‌گزارشات اخبار کارگری مبارزه کارگران رزمنده‌ایران‌در جنوب کشور انعکاس یافته‌است .

دراین شماره از نشریه علاوه براین گزارش جالبی از زندگی مشقت بار ، کارسخت وشکل استثمار "کلاف‌ها" کارگران لنج ساز جنوب چاپ شده‌است که بسیار قابل استفاده می‌باشد .

درسرمقاله کارجنوب درباره محتوی و مضمون مبارزات کارگری خوزستان آمده‌است که یکی از جنبه‌های تخسین برانگیز جنبش کارگری‌درخوزستان جنبه قوی و آشکار ضدامپریالیستی آن است . علت این امررا ، باید در حضور و نفوذ آشکار وپرسابقه امپریالیسم درحیات اقتصادی خوزستان جستجو کرد .

در خوزستان جنبش کارگری آشکارا با سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم رو در رو و درحال ستیز است .

درمقاله آمده‌است کارگران‌مبارز خوزستان در مبارزات طولانی‌علیه امپریالیست‌ها به‌خوبی دریافته‌اند که گسترش و تعمیق و پیروزی‌نهائی انقلاب درگرو مبارزه قاطع و بی‌امان باامپریالیسم وپایگاه اصلی آن یعنی سرمایه‌داری‌وابسته است .

درمقاله ضمن برشمردن تک تک کارخانه‌های بزرگی که هریک به شکلی به امپریالیسم وابسته‌اند ، به مبارزات کارگران قهرمان این صنایع برای قطع‌وابستگی هااشاره شده و نقش عناصر ضدانقلابی منطقه همچون مدنی استاندار خوزستان و کیان فرماندار اهواز که همه کوشش خود رابرای‌سرکوبی مبارزات ضدامپریالیستی و ضد سرمایه‌داری کارگران به کار گرفته‌اند ، افشاء شده‌است .

توضیح برای هواداران

ازآنجا که گروه اشرف دهقانی ، نشریات خود را با امضای جریکهای فدائی خلق وحتی جعل آرم "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" انتشار می‌دهد و ازآنجاکه ممکن است هنوز بسیاری از هم‌میهنان از اختلافات اساسی ایدئولوژیک سازمان با این قبیل گروه‌ها مطلع نباشند ، ازهمه اعضاء وهواداران سازمان می‌خواهیم برای مردم توضیح دهند که تنها نشریات و اعلامیه‌هائی که به نام و امضای سازمان جریکهای‌فدائی‌خلق‌ایران منتشر می‌شود ، به سازمان تعلق دارد .

بدیهی است که اهمیت این امربیشتر از آنجا ناشی می‌شود که درمواردی دیده‌شده ، توده مردم مواضع غلط و انحرافی این‌گروه‌ها را که به زیان جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک میهنمان است ، با مواضع سازمان اشتباه می‌کنند ، که این خود می‌تواند به حیثیت و اعتبار سازمان و جنبش ضدامپریالیستی ایران به ویژه جنبش کارگری آسیب‌های جدی وارد سازد .

رابطه آموزش و پراتیک

دراین مرحله درک خلاق‌رابطه تئوری و پراتیک بطور اعم‌وآموزش و پراتیک بطوراخص موردنظراست. پراتیک به معنای تغییرفعال واقعیت و تئوری بمثابه آنچه که از پراتیک برمی‌خیزد وراهنمای‌آن می‌شود . درآمیختن آموزش با زندگی ، احتراز ازمجرداندیشی و کلی گوئی ، چکیده درک لنینی‌از پیوند آموزش و زندگی است .

ورطه هولناک گزافه‌گوئی روشنفکرانه ازیک‌سو وابتذال امپریسم (اصالت عمل) از سوی دیگر درانتظار کسانی است که نمی‌توانند دیالکتیک تئوری‌و پراتیک ، آموزش و زندگی را دریابند .

انقلابیون کمونیست می‌باید با این دو انحراف اساسی ومهلک به مبارزه‌ای پیگیربرخیزند ، ما با درک این ضرورت‌لازم دانستیم آموزش بزرگ لنین رادر این‌باره یادآور شویم .

"من باید بگویم که نخستین و ظاهرا طبیعی‌ترین پاسخ به این موضوع آن‌است که‌سازمان جوانان

بقیه در صفحه ۴

کار ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال

با اینکه در شرایط فعلی احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال خطر عمده برای جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های‌ایران هستند ، با این همه طبق دستورالعمل "شورای انقلاب" افشای اسناد جاسوسی عوامل سیا و ساواک که همگی در همین احزاب و محافل گرد آمده‌اند ، محدود وتحت کنترل درآمده‌است.

ما در پاسخ "شورای انقلاب" که توده مردم را برای شنیدن حقایق و اطلاع از ماهیت دوستان و دشمنان خویش صالح تشخیص نداده و برای نجات دوستان و جاسوسان امپریالیسم‌امریکا اعلام داشته‌است که اگر احیانا سندی در مورد وابستگی این احزاب و محافل به‌دست آمد ، در دادگاه‌های دربسته بررسی شود ، با انتشار "کارویژه افشای سرمایه‌داری لیبرال" ضمیمه نشریه شماره ۳۹ ـ ۴۰ و برگزاری اجتماع روز شنبه ۱۵ دی ماه‌در دانشگاه تهران ، کوشیده‌ایم ، دادگاه افشاگری را در حضور خلق بر پا نمائیم .

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلق ما

ویژه افشای سرمایه داران لیبرال
دوستان وجاسوسان امپریالیسم امریکا
جمعه ۱۴ دیماه ۱۳۵۸

کارگران و زحمتکشان
برای افشاء و طرد سرمایه داران لیبرال و
پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی ـ دموکراتیک
متحد شوید

سال اول ـ ضمیمه کار شماره ۴۰ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | ۶ صفحه ـ ۵ ریال

در پیشگاه خلق افشاء کنیم

- امیرانتظام با مقدم مراغه‌ای همکاری نزدیک داشته است.
- یادداشت های مراغه‌ای نشان می دهد که وی رابط یک شبکه جاسوسی است که برای آمریکا کار می کند.
- مراغه‌ای از طریق جاسوسان سفارت امریکا به نام های "توم" "پرشت" اطلاعات لازم را برای «کاخ سفید» فراهم می آورد.

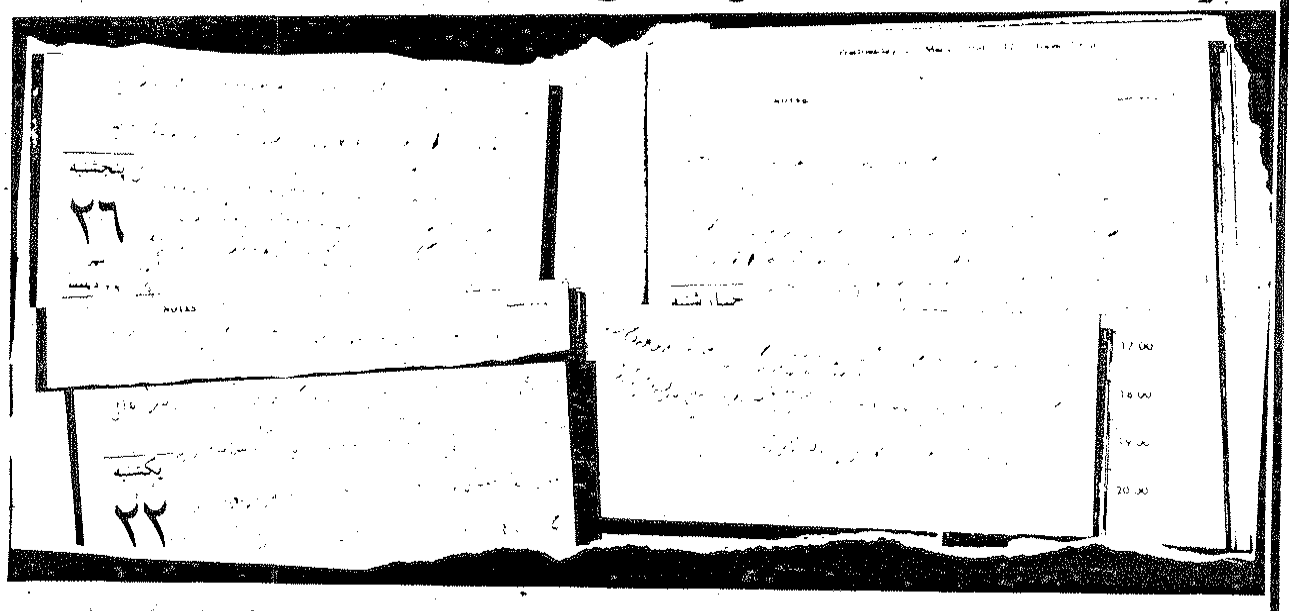

شورای انقلاب تلاش دارد افشاگری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را محدود و کنترل کند. سازمان ما برآن شد تا علیرغم فشار شورای انقلاب به دانشجویان که هدف آن تنها و تنها نجات محافل وابسته به سرمایه‌داران لیبرال از رسوائی بیشتر است اسناد ذیل را که به تازگی به دست سازمان رسیده است در میتینگ روز جمعه ۱۴ دی‌ماه در پیشگاه خلق قهرمان ایران فاش سازد و نشان دهد که این مردمند که باید بدانند، این مردمند که باید دوستان واقعی خود را بشناسند و دوستان دروغین و ریائی را از خود برانند.

بحث بر سر برباد رفتن حیثیت این و آن نیست. بحث بر سر پیروزی با شکست جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های قهرمان ایران است. هیچکس حق ندارد مردمی را که یک عمر در اسارت ساواک و سیا و موساد ودیگر دستگاههای مردم‌کشی امپریالیسم امریکا و سرمایه‌داران بوده‌اند، از شناختن اعمال و جنایات مجریان این فجایع محروم سازد. اسناد ساواک باید در پیشگاه مردم افشا شود. اسناد جاسوسی و همکاری ماموران دستگاههای جاسوسی امپریالیسم امریکا و اقدامات مذبوحانه حامیان آنها باید در دادگاه خلق افشا شود نه آنطورکه شورای انقلاب می‌خواهد یعنی در پشت درهای بسته دادگاههایی که حقایق را از چشم مردم پنهان می‌دارند.

شورای انقلاب که پس از ادغام با کابینه مهندس بازرگان چون اکثریت آنرا طرفداران احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال و مدافعان سیاست گام به گام تشکیل داده بودند، با صدور دستور العملی خواسته است از افشای ماهیت جریان‌های لیبرالی وسازشکار جلوگیری کنند.

مهندس بازرگان که عضو برجسته شورای انقلاب و مبتکر سیاست گام به گام است در جوابیه اش به آقای موسوی خوئینی رسما و علنا یک بار دیگر به‌دفاع از این سیاست سرمایه‌داران لیبرال پرداخته است.

وظیفه ما و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی است که به توده‌های مردم نشان دهیم این سیاست در یک ساله اخیر نقشش فقط این بوده که راه سازش جریان‌های خرده‌بورژوائی را با سرمایه‌داری انحصاری وابسته به امپریالیسم هموار سازد و به این ترتیب جنبش را به شکست بکشاند.

وظیفه ما و دیگر نیروهای مبارز و انقلابی است که با تمام نیرو به افشای ماهیت طبقاتی، سوابق سیاسی وسیاست کنونی محافل سرمایه‌داران لیبرال کمر بندیم و زیر و بم سیاست‌های آنها را در محضر دادگاه خلق‌های قهرمان ایران برملا سازیم.

یادداشت های مقدم مراغه‌ای، دسیسه های تازه امپریالیسم امریکا

این اسناد تنها بخش کوچکی از مجموعه‌توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیسم امریکا را افشا می‌کند. این اسناد نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا چگونه سعی دارد به کمک دوستان و جاسوسان خود سازمان‌های انقلابی و پیشرو را منفرد سازد، جنبش توده‌ای را به بیراهه بکشاند و سلطه خود را تحکیم بخشد.

از قیام تاکنون دستجات لیبرالی تلاش داشته‌اند به اشکال گوناگون به هر ترتیب که شده جلوی گسترش مبارزات ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیستی توده‌ها را بگیرند.

آنها از یکسو به تاکید و تکیه روی "منتخب امام" و "منتخب منتخب امام" بودن و از سوی دیگر با تعریف و تمجید از سازمان‌های انقلابی کوشش کردند خود را آزادیخواه و همراه مردم جا بزنند. و ترقی و پیشرو معرفی کنند.

اما طولی نکشید که گسترش مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها و حرکت نیروهای انقلابی مشت این دوستان ریائی را باز کرد و ماهیتشان را بر مردم آشکار ساخت.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به سهم خود در تحقق این امر و افشای این دستجات نقش مهمی ایفا کرده است:

* افشای امیرانتظام و قره‌بی که در اولین ماههای پس از قیام در نشریه "کار" صورت گرفت اولین گامی بود که در این جهت صورت گرفت.
* راهپیمائی یکصدهزار نفری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روز ۴ خرداد که در اعتراض به "قطعنامه سیای امریکا" برگزار شد، همانگونه که در اسناد مرکز جاسوسی امریکا انعکاس پیدا کرد در میان دوستان و جاسوسان امریکا چنان هراس ایجاد کرد که تامدتی "ارتباطشان با سفارت امریکا سخت شد این راهپیمائی توسط عوامل، دوستان و جاسوسان امریکا و عناصر ناآگاه آلت دست آنها مورد حملات وحشیانه قرار گرفت ولی با این‌همه با موفقیت تا جلوی سفارت ادامه پیدا کرد.
* رد دعوت‌هائی که برای شرکت در سمینارها و کنفرانس‌ها از جانب

بقیه درصفحه۲

مقدم مراغه‌ای کیست؟ درصفحه۲

دقت و حساسیت مأموران "سیا" دربارهٔ نقش و موقعیت گروه پنج نفری

از مطالعه‌ی یادداشت‌های مراغه‌ای چنین برمی‌آید که طی چند ماهه پس از قیام، فعالیت جاسوسی امریکا در ایران تنها به امیرانتظام و مقدم مراغه‌ای محدود نبوده است. آنها اطلاعات دست اول دیگری از کانال‌های جداگانه به‌دست می‌آوردند. رشد نفوذ یک دسته بندی پنج نفره مرکب از "حمران، قطب زاده، یزدی، طباطبائی، صباغیان" وقدرت گرفتن آنان در ماههای پس از حمله به کردستان با مراقبت کامل مورد توجه ماموران سیا بوده و بطور مستمر توسط آنان تعقیب می‌شده است.

به‌ویژه موقعیت دکتر یزدی با دقت و ظرافت بیشتری نسبت به دیگران زیر نظر قرار داشته است. مراغه‌ای اطلاعاتی را هم که در این زمینه از طرق مختلف به دست می‌آورده، مثلا خبرنگار میدل ایست، به ماموران امریکا منتقل می‌کرده است. در این رابطه به گوشه‌هائی از اسناد اشاره می‌کنیم.

پولی (خبرنگار میدل‌ایست): گروه ها مشغول خودساختن هستند تا قدرت را

بقیه درصفحه۲

* مهدی بازرگان در گزارشی که روز ۱۸ شهریور (فردای کشتار ۱۷ شهریور) از نظراتش تنظیم وبرای شاه فرستاده شده‌است، می‌گوید.

"علی امینی را فرد میهن پرستی می دانم اگر با امریکا هم تماسهائی داشته باشد روی تبادل نظر و مصلحت اندیشی است!"

* مهدی بازرگان روز جمعه ۱۲ آبان ۵۷، یعنی یک روز قبل از شنبه سرخ، روزی که رژیم شاه پس از کشتاری وحشیانه دولت نظامی ازهاری را روی کار آورد. درمصاحبه با خبرنگار ایران پست می گوید:

«گمان می‌کنم علی امینی بتواند موفق شود وناجانی هم که در اختیار من است، کمکش می‌کنم»

* ما این دوسند را بداین دلیل همراه هم آوردیم تا این شبهه ایجاد نشود که بازرگان بنابه مصلحت! یا بالاجبار! در برابر دستگاه شاه، امینی را تائید کرده‌است.

خبر، بازرگان یک عمر ستایشگر علی امینی بوده‌است.

امیرانتظام وشرکاء طراح کودتای سفید

بازرگان از طرح اعلام انحلال "مجلس خبرگان" چه قصدی داشت!؟

اطلاعات مورد نظر شبکه جاسوسی سفارت امریکا در ایران و طرح هائی که در دست اجرا دارد به یکی دو مسئله خاص محدود نمی‌شود.

امریکا درباره تمام مسایل جاری کشور اطلاعات دقیق ودست‌اول جمع آوری می‌کند تا بتواند طرح های مورد نظر خود را به اجرا درآورد. یادداشت های مراغه‌ای که برای گزارش به مقامات مافوق؟! تنظیم می شد در مورد مجلس خبرگان گویای گوشه‌ای از این واقعیت است.

مراغه‌ای نظرات، نکات ومسایلی را که در رابطه با مجلس خبرگان وقانون اساسی پیش می‌آمد برای سازمان "سیا" گزارش می‌کرده است. آنچه توجه

بقیه درصفحه۲

لیبرالیسم قبای امپریالیسم

کار

ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جمعه ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸

سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۲ ضمیمه

امیرانتظام وسرکار طراح کودتای سعید

بازرگان از طرح اعلام انحلال ... بقیه از صفحه ۱

لیبرال‌ها را در مجلس خبرگان به خود معطوف داشته است دو بحث اساسی آن یعنی مسئله حدود در مالکیت و ولایت فقیه بوده است. (سند شماره ۲ گزارش از جلسه خصوصی مجلس خبرگان اول شهریور ۵۸)

لیبرال‌ها در مخالفت با روحانیت (خط آیت الله خمینی) از حمایت نیروی توده‌ای برخوردار نیستند. این استنتاج به روشن‌ترین شکلی از خلال وقایعی که مراغه‌ای در تقویم خود یادداشت کرده است به دست می آید. ازجمله مطابق سند شماره ۱۰ این که امیرانتظام روز یکشنبه ۲۲ مهر از مراغه‌ای دعوت می‌کند برای به پیروزی رساندن لیبرال‌ها و مهار جریان‌های "پیرو خط امام" صفوف خود را مستحکم کنند، امیرانتظام به مراغه ای می‌گوید.

"دیشب دوساعت با بازرگان صحبت کردم. اگر بتوانیم در انتخاب آینده لااقل بازرگان را رئیس جمهور کنیم دیگر همه امیدها از دست می‌رود."

درسند دیگری مراغه‌ای در گزارش خود برای توم (Tom) از امیر انتظام نقل می‌کند که ادعا کرده است که لو نرفته و هنوز مورد اعتماد بازرگان و امام است (البته بازرگان حسابش سواست. زیرا حتی پس از لو رفتن امیرانتظام بازهم از وی پشتیبانی می‌کند.

روز ۲۲ مهر امیر انتظام به مراغه‌ای می‌گوید حدود پانزده گروه از جمله نهضت رادیکال و حزب جمهوری خلق مسلمان را دعوت کرده‌ایم که مجتمع شوند و دعوت‌نامه‌های نهضت رادیکال و خلق مسلمان را به مراغه‌ای می‌دهد و می‌گوید چند روزی می‌روم سوئد و برای ادامه کار برمی‌گردم. ۳ روز بعد یعنی روز ۲۵ مهر رادنیا، فتح‌الله بنی صدر (دادستان‌کل) صدر حاج سید جوادی، فولادی، سمیعی در منزل انوری جمع می‌شوند دکتر یزدی و وزیر علوم (شریعتمداری) هم قرار بوده که بیایند ولی نمی‌آیند و پس از بحث و تبادل‌نظر به این نتیجه می‌رسند که "تنها چاره برای بازرگان آن است که یکباره انحلال مجلس خبرگان را اعلام کند. به این ترتیب روحانیت سرجای خودش‌می‌نشیند وبازرگان هم اعتبار پیدا می‌کند و "روشنفکران" دور او را می‌گیرند." وبعد حقیرانه با خود می‌گویند "اگر چنین کاری شود و بعد مردم مخالفت کنند چه خواهد شد؟ چون روشنفکر توی خیابان نمی‌آید، اینها حزب‌الله را راه می‌اندازند و همه جا آشوب می کنند.

در پایان جلسه امیرانتظام می‌گوید فردای آن روز ساعت ۱/۳۰ با بازرگان قرار ملاقات دارد و مساله را با وی طرح می‌کند. قرار می‌شود صبح یکشنبه ۲۹ مهر نتیجه را مراغه‌ای از امیرانتظام تلفنی بپرسد. سازمان ما در روزهای بعد اطلاع یافت که قرار بوده است تمام اعضای کابینه بازرگان استعفای خود را بنویسند و اعلام انحلال مجلس خبرگان را اعلام کنند و با این کار روحانیت را در برابر عمل انجام شده قرار دهند و مشروطه خواهی خود را بر قانون اساسی تحمیل کنند. آن روز تحلیل ما از این خبر آن بود که لیبرال‌ها با یک کودتای سفید ضد خمینی را تدارک دیده اند و امروز با این اطلاعات که به دست آورده‌ایم صحت تحلیل ما به اثبات می‌رسد.

همانگونه که بارها درگذشته اشاره کرده‌ایم، خطر عمده‌ای که اکنون جنبش ما را تهدید می‌کند این است که سرمایه‌داران لیبرال با استفاده از گرایشات واپس‌گرایانه روحانیت و شکست "ولایت فقیه" که به حکم تاریخ مسلم و حتمی است، در لباس آزادیخواهی مردم را فریب دهند و سلطه سرمایه داری وابسته را از نو تحکیم بخشند.

این توطئه نشان می‌دهد که از یک سو هنوز آگاهی توده مردم در حدی پائین است که نمی‌تواند درک کند حاکمیت "فقیه" با منافع عاجل و تاریخی وی منطبق نیست و از سوی دیگر نشان می‌دهد این آگاهی در حدی رشد یافته است که می‌تواند جریان‌های مدافع سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را بشناسد و فعلا برای مقابله با آنها آمادگی ذهنی دارد.

توجه به این مطلب گویای وظیفه سنگینی است که در جهت ارتقاء سطح آگاهی توده‌ها برعهده انقلابیون خلق است، وظیفه‌ای که مضمون آن عبارتست از افشای هرچه بیشتر ماهیت سرمایه‌داران لیبرال و رابطه آنان با امپریالیسم. توضیح ناتوانی و سرشت واپس‌گرایانه "ولایت فقیه" و خواست تاریخی مردم یعنی حاکمیت انقلابی و دمکراتیک توده ها.

یادداشت های مقدم مراغه‌ای ... بقیه از صفحه ۱

دستجات و گروه‌های لیبرال به مناسبت‌های گوناگون صورت گرفت.

لازم به تذکر است که طی ۸ ماهه اخیر تقریبا همه جریان‌های لیبرالی به نوعی دست همکاری و دوستی به سوی سازمان‌های انقلابی و پیشرو و از جمله سازمان ما دراز کردند. خبر ایجاد تریبه "ضد سانسور" که ازجانب همین محافل پهن شده بود قبل از آن‌که طرح مشخصی هم برای آن تنظیم کرده باشند از رادیوی بی.بی.سی. پخش شد. این تریبه به علت مخالفت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با تکرفت. در سندهای شماره ۶ و ۷ همین ویژه نامه مهیار خلیلی برای مراغه‌ای نقل می‌کند که محاهدان فدائیان، جنبش کارگران سوسیالیست جبهه دمکراتیک ایران و بسیاری گروه‌های دیگر "قرار است" همین هفته اعلامیه مشترک خود را صادر کنند!"

این اظهار نظر اولا حماقت این سیاستمداران را نشان می‌دهد که تا چه حد از رابطه نیروها و صف‌بندی های موجود به دور و بی‌خبر بودند. ثانیا بازهم نشان می‌دهد که چگونه حزب جمهوری خلق مسلمان و شرکاء تا چه حد می‌کوشیده‌اند از حیثیت سازمان‌های انقلابی که سابقه درخشان مبارزاتی دارند به سود خود استفاده کرده خود را با مردم جا بزنند.

این تیرنگ‌ها همچنان ادامه می‌یابد از جمله آن‌که در تظاهراتی که از طرف طرفداران آیت‌الله شریعتمداری در تبریز در تابستان گذشته به حمایت ایشان انجام می‌شود در بلندگوی یک ماشین کشتی شهربانی شرکت و تائید سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از آن تظاهرات اعلام و شعارهائی به طرفداری از سازمان داده می‌شود که منسوب بودن آن با سازمان از جانب شاخه تبریز تکذیب می‌شود.

* تحریم و محکوم کردن راهپیمائی و تظاهرات اخیر حزب جمهوری خلق مسلمان در تبریز و افشای این حزب بورژوائی توسط سازمان ما ماهیت این دارودسته را بر مردم آشکار ساخت. از جمله ریاکاری‌ها وزرنگی‌های این احزاب و محافل تابع کردن پشتیبانی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از اقدامات حزب جمهوری خلق مسلمان و حمایت از راهپیمائی آن حزب بود. آقای آیت‌الله موسوی با وقاحت تمام بارها این دروغ را تکرار کرد و "روزنامه جمهوری اسلامی" در همین زمینه مطابق معمول کینه‌توزانه علیه نیروهای انقلابی به ویژه سازمان ما سمپاشی کرد و این درحالی است که شاخه تبریز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طی اطلاعیه ۱۵ آذر مردم تبریز را به تحریم این راهپیمائی دعوت کرد و در تشریه "راه‌سرخ" فوق العاده ۱۶ آذر وسیعا به افشاگری علیه حزب جمهوری خلق مسلمان و تشریح ماهیت آیت الله شریعتمداری پرداخت.

بیهوده و تصادفی نیست که "توم" جاسوس سفارت امریکا به مراغه ای می‌گوید "جبهه‌ملی، جبهه دمکراتیک، فدائیان ومجاهدان‌انتلاب کرده‌اند و رهبری بختیار را پذیرفته‌اند" این سخنان به بهترین وجه نشان می‌دهد که چگونه امپریالیسم امریکا می‌کوشد ضمن چسبانیدن مهره شناخته شده خود به سازمان‌های انقلابی‌وپیشرو وبهره‌برداری از سوابق درخشان مبارزاتی آنان، از یک سو مردم را نسبت به مهره های دست نشانده خود و جریان های وابسته به امپریالیسم خوشبین کند و از سوی دیگر آنها را نسبت به سازمان های انقلابی و پیشرو بدبین سازند.

سازمان ما افشاء و طرد بورژوازی لیبرال را که یکی از مهمترین پایگاه های امپریالیسم امریکا و دشمن عمده گسترش مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های ایران است وظیفه خودمی‌داند و براین اعتقاد است که سیاست و خط وشی همه عناصر، محافل، سازمان ها و احزابی که به نحوی از انحاء سازش بااین جریان بورژوا لیبرالی را توصیه می‌کنند و یا مثل "دفتر امام خمینی" تضاد بین صف مردم و این جریان را "سوء تفاهم" می‌دانند همگی مشخصا راه را برای رشد و تحکیم سلطه سرمایه‌داری وابسته باز می‌کنند و همه کسانی که افشای قاطع این جریان‌ها را "به مصلحت" نمی‌دانند و فکر می کنند که این‌کار ارتجاع را "تقویت‌خواهدکرد" و به سود "دمکراسی نیست" باید بدانند که عمل آنان در خدمت تقویت جریان‌های‌وابسته به سرمایه‌داران‌لیبرال که در شرایط کنونی به گفته امیرانتظام آخرین امید امپریالیسم امریکا محسوب می‌شوند درآمده است. مضمون مبارزه در راه آزادی سیاسی در جامعه بورژوائی ما که بیش از هر چیز برای طبقه کارگر مفید است تماما عبارتست از مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته.

مقدم مراغه‌ای کیست؟

مهندس رحمت الله مقدم مراغه‌ای، سرمایه‌دار، صاحب شرکت ساختمانی از دوستان و یاران نزدیک دکتر علی‌امینی مهره سرشناس امریکائی و نخست وزیر اسبق زمان شاه است.

مراغه‌ای از اوایل سال ۵۷ زمانی که حس می‌کند جنبش توده‌ای در حال اوج‌گیری است تحت پوشش "نهضت رادیکال ایران" دست به کار می شود و با صدور اطلاعیه‌هائی در موارد مختلف می‌کوشد خود را به جنبش خلق تحمیل کند. اما "نهضت رادیکال ایران" تنها پوششی است برای فعالیت ها و زدوبندهای پشت پردهٔ دار و دسته علی امینی و شبکه جاسوسی سیا در ایران.

مقدم مراغه‌ای با محکم کردن روابط خود با آیت الله شریعتمداری و علی امینی مدام می‌کوشید وضعی پیش نیاید که موقعیت این محافل زیر فشار رشد آگاهی توده‌ها چنان افشا شود که دیگر نتوانند مردم را فریب دهند.

در روزهای قبل از قیام رشد آگاهی توده‌ها در حدی بود که بین بختیارها، شریعتمداری‌ها، علی‌امینی‌ها، بازرگان‌ها سنجابی‌ها و دیگر شرکایشان تفاوت اساسی نمی‌دید و نه‌تنها برای هیچ‌یک حق تشکیل دولت قایل نبود، بلکه از بیخ و بن هیچ یک را جزو دوستان خلق نمی‌شناخت. اما وقتی به انتخاب "امام" مهندس بازرگان به نخست وزیری رسید همراه با فروریختن بی‌اعتمادی مردم به بازرگان این عناصر هم یک یک فرصت یافتند به سوی قدرت بخزند و پست‌های وزارت و وکالت را اشغال کنند. جز این هم انتظار نمی‌رفت زیرا مهندس بازرگان کسی است که علی امینی، این مرشد رحمت‌الله مراغه‌ای‌را "فردمیهن‌پرستی" می‌داند و حاضر است در کابینه او شرکت کند.

بر همین زمینه و با توجه به روابط بسیار نزدیک و صمیمانه رحمت‌الله مراغه‌ای با آیت الله شریعتمداری که در تبریز صاحب نفوذ است وی به‌استانداری آذربایجان شرقی برگزیده می شود و از همان ابتدا زیر علم فریبنده "آزادیخواهی" به تقویت "حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان" همت گماشت و با حمایت همین حزب که امروز دیگر ماهیت حامیان و مدافعان آن برای مردم ما روشن شده است، به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد.

مراغه‌ای از همان عناصری است که مطابق این مدارکی که منتشر می‌کنیم فرهنگ امپریالیستی او را "روشنفکر" می‌نامد. روشنفکری که مظهر دشمنی با طبقه کارگر با خلق ستمکش و مظهر دوستی ودلسوزی برای امپریالیسم امریکا است.

جز این هم انتظار نمی‌رود. آنطور که از گزارش‌ها پیداست "روشنفکر" از دیدگاه امپریالیسم آمریکا تنها کسی است که از طبقه سرمایه‌دار و از منافع امپریالیسم دفاع کند و بداند بهترین طریق فریب دادن مردم، ادامه استثمار طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و تحکیم سلطه سرمایه‌داری وابسته کدام است.

ما با انتشار یادداشت‌های این به‌اصطلاح "روشنفکرامریکائی" که درست بودن سند افشاگری "دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام" را تائید می‌کند از زاویه‌ای دیگر مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا و سیاست امپریالیسم در ایران را بطور جامع به توده‌های مردم میهن معرفی می‌کنیم.

آری! مراغه‌ای جاسوس است.

دقت و حساسیت مأموران سیا ... بقیه از صفحه ۱

به‌دست گیرند. یک گروه پنج نفری (قطب‌زاده، جمران، صادق طباطبائی، یزدی، صباغیان) مشغول هستند... عامل تحریک و ارسال گزارش غلط برای امام تیمسار فلاحی بود که عامل اجرای دستور گروه پنج نفری است."

(یکشنبه ۱۸ شهریور)

توم: شایعه نخست وزیری یزدی تا چه حد صحت دارد؟

مراغه‌ای: درمتن قضایا نیستم.

(پنجشنبه ۲۹ شهریور)

توم: به نظر می‌رسد قطب زاده، یزدی جمران، طباطبائی روزبه روز قدرت را بیشتر در دست می‌گیرند و مخالفین خود را به در می‌کنند. شایعات این است که این افراد آمریکائی هستند. شما چه فکر می‌کنید؟

(مراغه‌ای دریادداشت‌هایش نوشته است: من نظر خود را گفتم، ولی توضیح نداده است که نظرش چیست).

(یکشنبه ۱۵ مهر)

توم: چنین به نظر می‌رسد که قطب زاده، یزدی، طباطبائی، جمران صباغیان هم در دستگاه قدرتی پیدا کرده‌اند.

(سه ۲۶ مهر)

مهدی بازرگان پیروزی قیام پرشکوه بهمن ماه را «مصیبت بزرگ» می داند

نقل از "اطلاعات" سوم آذرماه ۱۳۵۸

۱۰ آبان آخرین ملاقات مراغه‌ای با "پرشت" صورت می گیرد. جالب است که پرشت امیدوار است بعداز ۶هفته تا دو ماه دیگر امریکا در ایران سفیر داشته باشد. هر چند که لحن و مضمون صحبت های پرشت و مراغه‌ای بسیار نومیدانه است و ۱۰ آبان تاریخ آخرین یادداشت مراغه‌ای است بقیه اوراق تقویم سفید است. سه روز بعد سفارت امریکا اشغال می‌شود.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضدامپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران

کار

ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جمعه ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸

سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۳ ضمیمه

ما اسناد زیر را بدون کم وکاست، بدون سانسور در دادگاه خلق منتشر می‌کنیم

تا رهنمون عمل انقلابی تمام انقلابیونی گردد که در راه ایران آزاد و دموکراتیک مبارزه می‌کنند

ملاقات با شریعتمداری

۲۱ مرداد

۱: من سئوال می‌کند که آیا نمایندگان مجلس خبرگان بهتر است استعفا کنند؟ من گمان می‌کنم شرکت آنها مفیدتر باشد چون شاید بتوانند اعتراضات مربوط به انتخابات را منعکس کنند ونظریات خودشان را اعلام کنند. عدم مشارکت موضوعی را حل نخواهد کرد در مورد خودش گفت: من فکر می‌کنم رفتن به تبریز در شرایط موجود مصلحت نباشد. بعد از ما در مضان به قم می‌روم. در مورد خمینی گفت عده‌ای ایشان را محاصره کرده‌اند و اینطور که می‌گویند فقط از یک کانال مشخص اطلاعات را دریافت می‌کنند. البته خودشان هم... دارند. در مورد خبرگان گفتند تنها آذربایجان که نیست بگذارید ببینیم دیگران چه می‌کنند. فارس و خراسان همه ناراضی هستند. آیت‌الله قمی خیلی سخت حمله کرده است. آنها هم لابد کاری خواهند کرد. بعد از آن که تصمیم همه روشن شد آن وقت می‌شود تصمیم به ادامه یا استعفا گرفت. در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان گفت: حزبی که سه میلیون عضو دارد بفرض که چند نفر از هیئت موسس هم نباشند و استعفا کنند، عده دیگری را انتخاب می‌کنند که جانشین آنها شوند.

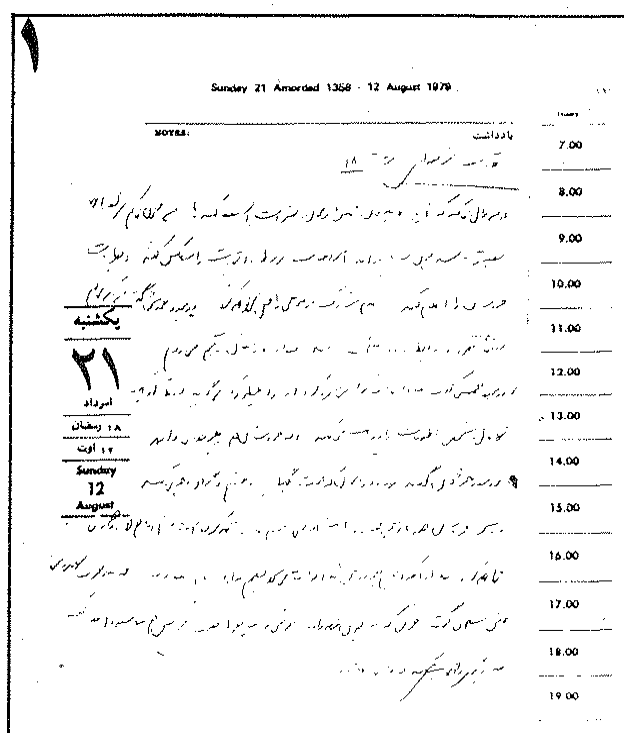

جلسه خصوصی در خبرگان

۱ شهریور

آقای جائری گفت مطلب این است که ما فقط باید خدا را در نظر بگیریم. حتی پیغمبر و امام هم واسطه هستند. فقط و فقط باید خدا را در نظر بگیریم. و بعد چند تذکر دادند که یکی هم موضوع مالکیت بود که گفتند که در مورد مالکیت هر چه می‌خواهند بگویند. مالکیت باید طبق اصول اسلام باشد. کم و زیاد کردن ندارد. بعد گفت با مدارس مختلط هم مخالفم. در جواب این موضوع شیخ علی تهرانی وقت گرفت و گفت در مورد مسائل فقهی نظرات متفاوت است. در مورد مالکیت دلایل بسیاری آورد که نظرات مخالف مالکیت بود و درست در جهت مخالف جائری بود. بعد به پیشنهاد واصله قرار شد که جلسه خصوصی ادامه پیدا کند و در ادامه جلسه خصوصی موضوع ولایت فقیه مطرح شد. بنی صدر در مورد ولایت فقیه صحبت کرد و بعد گفت مسائل فقه با اجتهاد ارتباط پیدا نمی‌کند. الان در رشته‌های مختلف ۳۰۰ رشته علوم وجود دارد. آقایان آیا شما می‌توانید در تمام این رشته‌ها اجتهاد کنید؟ درد نیاور در میان جوانان اینطور تبلیغ شده است که اسلام ضد پیشرفت و ترقی است. در خارج این نظر وجود دارد که بطور کلی مذهب مخالف پیشرفت است. حالا شما هر چه می‌خواهید تصویب بکنید. به هر حال مسئله ولایت فقیه مطرح شد.

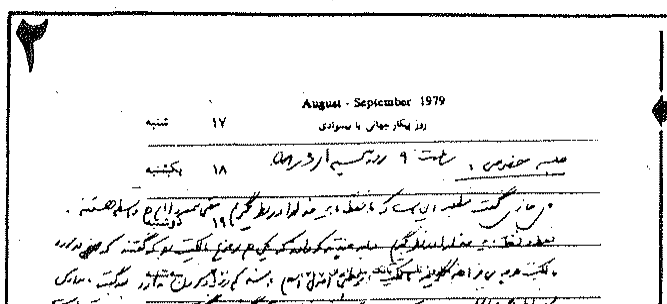

ملاقات با «توم»

۴ شهریور

۱ـ در دولت آینده فکر می‌کنید شرکت داشته باشید؟ گفتم تا دولت آینده خیلی زمان هست. باید خبرگان تمام بشود و رفراندم بشود رئیس جمهور انتخاب شود بعد مجلس انتخاب شود. من هنوز برنامه‌ای ندارم.

گفت شایع است که امام متوجه شده است که انقلاب به پیش نمی‌رود. و عصبانیت او از اینجاست. در این مورد اطلاعی دارید؟ گفتم اطلاع مشخص نیست. اما از این که عکس‌العمل‌ها بر اساس عصبانیت است تردیدی نیست. نظر مرا در مورد قانون اساسی جدید پرسید. گفتم من فعلا خوشبین هستم. چون مشکل اساسی ولایت فقیه مشکل اساسی ای بود که گمان می‌کنیم در این مورد امام هم زیاد اصرار نداشته باشد از گفته‌های بنی صدر و بهشتی هم پیداست. رویهمرفته فعلا خوشبین هستم. امیدوارم که لااقل قانون اساسی جدیدی در حدود همان پیش‌نویس حل بشود. گفت اشتباه است اگر فکر کنیم می‌شود زمان را به عقب برگرداند ولی در محافل این مسئله مطرح است که چطور می‌شود روشنفکران را علا قمند به همکاری کرد. چون فعلا روشنفکران صد در صد مخالف هستند و کشور را ترک می‌کنند سفیر امریکا تا دو ماه دیگر تعیین می‌شود و هنوز معلوم نیست چه کسی انتخاب شود.

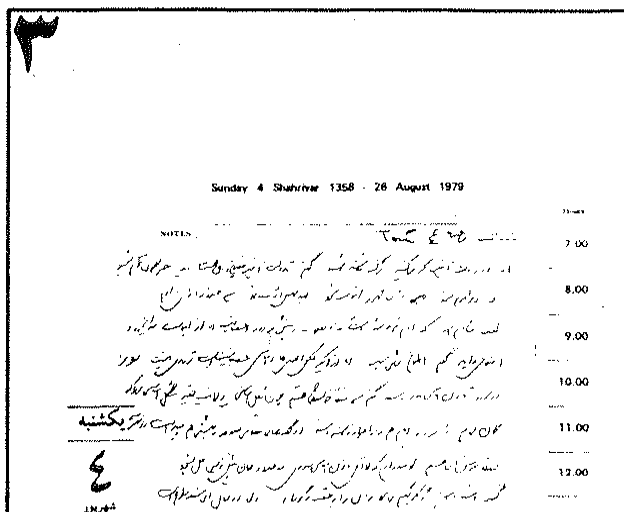

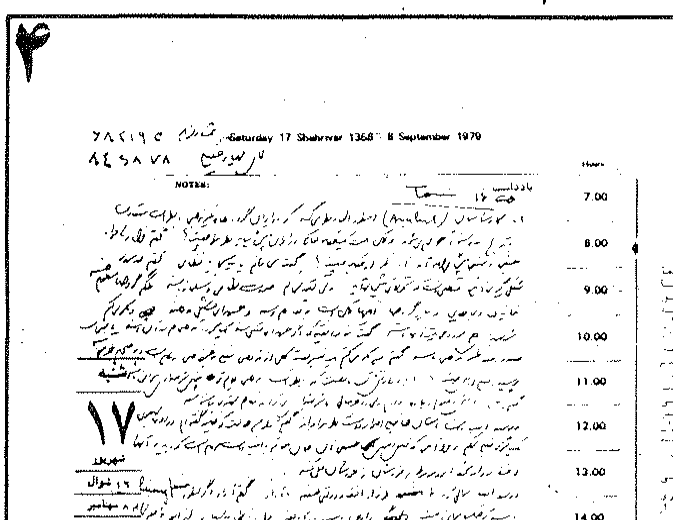

ملاقات با «توم»

۲۹ شهریور

ـ (خوانا نیست)

ـ معلوم نیست چقدر طول بکشد. عده‌ای گمان می‌کنند که مسئله حل...

ـ کسانی مایلند که غرب راهنمائی کند ولی هنوز چند برابر (تعدادی) مخالف هستند.

۴ـ در تهران شایعات است که کار سیا است و آمریکائی‌ها وضع جدید را به وجود آورده‌اند. گفتم چنین شایعاتی را به صورت جدی نشنیده‌ام.

۵ـ با تحویل و بازرسی و ساپل یدکی موافقت کرده‌ایم. گمان می‌کند طرفدار هستیم ولی گمان ضمنی این است که وضع فعلی را برای خود خطرناک نمی‌دانیم

۶ـ می‌پرسید شایعه نخست ـ وزیری یزدی تا چه اندازه حقیقت دارد؟ گفتم در متن قضایا نیستم. فعلا کار زیاد محال نمی‌دهد که به این چیزها برسم.

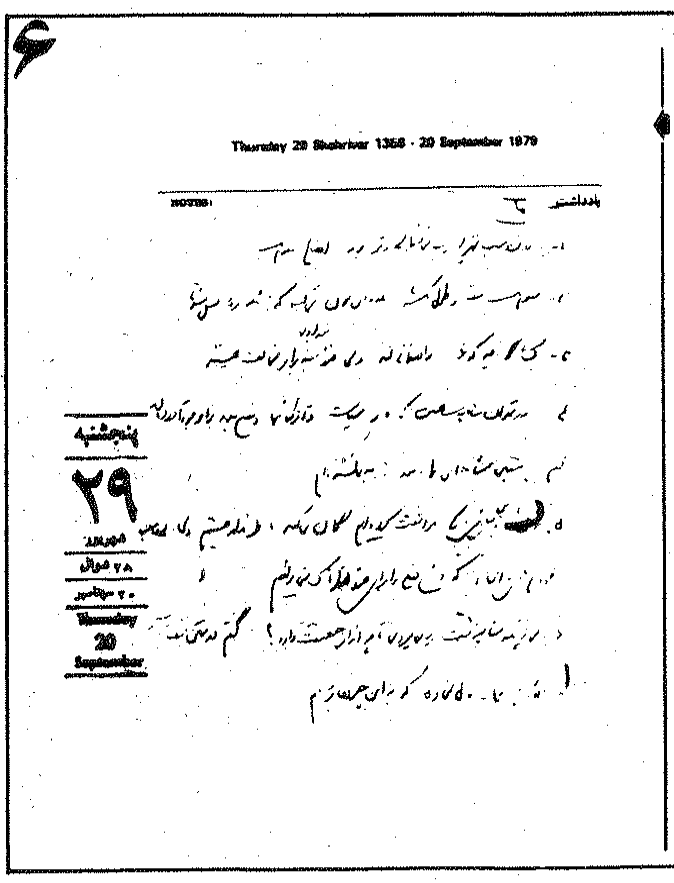

قطع کامل وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم امریکا خواست مردم زحمتکش ایران است

ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جمعه ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸

سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۴ ضمیمه

با صداقت انقلابی همهٔ حقایق را به مردم زحمتکش میهن خود بگوئیم

۷

Sunday 8 Mehr 1358 - 30 September 1979

NOTES: یادداشت

یکشنبه ۸ مهر ۸ ذیقعده ۳۰ سپتامبر Sunday 30 September

ملاقات با سفیر هلند ۸ مهر

ـ غرب چه می‌تواند بکند؟
ـ به‌نظر من جامعه اقتصادی غرب با توسعه روابط اقتصادی می‌تواند اثر بگذارد.

ـ وضع نزیه چه می‌شود؟
ـ چمران را شاید شورای انقلاب قبول نکرده است. اینکه بحث درباره وزرا شده است،

ممکن است ناشی از اختلاف اعضای شورای انقلاب با چمران باشد. (چیزی که خلاف آن بعد ثابت شد ۵۸/۷/۱۱).

۸

Sunday 16 Mehr 1358 - 7 October 1979

NOTES: یادداشت

«ملاقات با «توم»

یکشنبه ۱۵ مهر ۱۵ ذیقعده ۷ اکتبر Sunday 7 October

۹

Saturday 21 Mehr 1358 - 13 October 1979

NOTES: یادداشت

شنبه ۲۱ مهر ۲۱ ذیقعده ۱۳ اکتبر Saturday 13 October

ملاقات با «توم» ۲۱ مهر

۱ـ هنوز مردم فکر می‌کنند که باید دیگران در اینجا کاری بکنند. این به‌ضرر ما تمام می‌شود.

۲ـ در مورد مطالب هفته پیش به واشنگتن پیشنهاد کردیم که شاید در مورد تماس با خمینی اقدام شود.

۳ـ صرف‌نظر از گروه‌های مذهبی که اطراف امام هستند چنین به نظر می‌رسد که قطب‌زاده یزدی طباطبائی چمران و صباغیان هم در دستگاه قدرتی پیدا کرده‌اند که فعلا چندقدرتی شده است.

۴ـ عده‌ای می‌گویند که خمینی همه‌چیز را در دست دارد و عده‌ای هم می‌گویند اطرافیان هستند که او را به هر طرف بخواهند می‌گردانند. در این هفته یزدی و طباطبائی و هفته قبل هم صباغیان بر علیه امریکائی‌ها خیلی حرف زدند. ما چند ماه را حالت انتظار داشتیم و به قول معروف سرمان را می‌دزدیدیم که تو سرمان بخورد اما فکر می‌کنم ما باید سیاستی داشته باشیم و در هر حال چه روابط سرد باشد چه گرم چه ملایم باید ایران و امریکا روابط معقولی داشته باشند. چیزی که فعلا وجود ندارد.

۱۰

Sunday 22 Mehr 1358 - 14 October 1979

NOTES: یادداشت

یکشنبه ۲۲ مهر ۲۲ ذیقعده ۱۴ اکتبر Sunday 14 October

یادداشت امیرانتظام ۲۲ مهر

ساعت ۱۲ یادداشتی از رادنیا در خبرگان به من رسید که با دردفتر امیرانتظام او را ملاقات کنم یا بمانم در خبرگان او تا ساعت ۱۲/۳۰ می‌آید آنجا. من به دفتر امیرانتظام رفتم. بعد از مقدمه‌ای راجع به این که بالاخره چه باید کرد گفت من چند جلسه با امام صحبت کرده‌ام دیشب هم دو ساعت با بازرگان صحبت کردم. ما اگر نتوانیم در انتخاب آینده لااقل بازرگان را رئیس‌جمهور کنیم دیگر همه امیدها از دست می‌رود و بعد اضافه کرد که خمینی شخصا معتدل است و من به او امیدوارم. در هر حال قرار شد ساعت ۱۹ روز چهارشنبه در منزل انوری جمع بشویم رادنیا گفت تا به حال از ۵ گروه دعوت کرده‌ایم و نامه فرستاده‌ایم یک نسخه از نامه هم که به عنوان نهضت رادیکال و یکی هم به عنوان جمهوری خلق مسلمان بود به من داد. در این نامه سئوال شده است که آیا همکاری گروه‌ها را ضروری می‌دانید و چه گروه‌هایی باید باشند؟ امیرانتظام گفت من در ایران می‌مانم تا این مسائل حل شود و گفته‌ام چند روزی می‌روم به سوئد ولی برای ادامه کار مراجعت خواهم کرد.

۱۱

Wednesday 25 Mehr 1358 - 17 October 1979

NOTES: یادداشت

چهارشنبه ۲۵ مهر ۲۵ ذیقعده ۱۷ اکتبر Wednesday 17 October

جلسه منزل انوری ۲۵ مهر

رادنیا ـ بنی‌صدر (دادستان کل) صدر سید جوادی ـ امیرانتظام ـ انوری ـ فولادی ـ عباس سمیعی

صحبت بر سر این بود که آخوندها مسلط شده‌اند. بنی‌صدر گفت تنها چاره برای بازرگان آن است که یکباره انحلال مجلس خبرگان را اعلام کند و به این ترتیب از خودش استقلال نشان بدهد با این ترتیب هم روحانیت سرحایش خودش می‌نشیند و هم دیگر بازرگان اعتبار پیدا می‌کند و روشنفکران دور او را می‌گیرند. صدر سید جوادی گفت اگر چنین کاری شود و بعد مردم مخالفت کنند آن وقت چه خواهد شد چون روشنفکران توی خیابان نمی‌آیند اما این‌ها حزب‌الله را راه می‌اندازند و همه جا آشوب به پا می‌کنند نتیجه بدتر خواهد شد. بعد از صحبت زیاد قرار شد که امیرانتظام که فردا ساعت ۱۲/۳۰ با بازرگان قرار دارد در این باره با او مذاکره کند و روز جمعه هم سید جوادی با بازرگان صحبت کند و بعد از این که از نظرات او مطلع شدند تصمیم بگیرند. مدتی هم صحبت شد که شاید بهتر باشد با حاج احمد آقا خمینی مذاکره شود چون به وسیله او آقا را قانع کنیم. ولی بنی‌صدر عقیده داشت که چون وکالت نمایندگان مجلس خبرگان برای مدت معین و مورد وکالت معین بوده است از نظر حقوقی خبرگان باطل است.

قرار شد صبح یکشنبه من تلفن کنم و نتیجه را از امیرانتظام سئوال کنم.

دکتر یزدی و وزیر علوم هم قرار بود بیایند که نیامدند.

۱۲

Thursday 26 Mehr 1358 - 18 October 1979

NOTES: یادداشت

پنجشنبه ۲۶ مهر ۲۶ ذیقعده ۱۸ اکتبر Thursday 18 October

ملاقات با «توم» ۲۶ مهر

طبق گزارشی که از وابسته نظامی داشتم چمران در کردستان به یک واحد تانک دستور حمله به کردها را داده است ولی واحد مربوطه اطاعت نکرده است.

اگر ارتش و کردها درگیر بشوند مشکلات زیاد می‌شود و اینطور به نظر می‌رسد که مذاکره هم به نتیجه نرسد چون موضع کردها محکم است.

قبلا گفته بودم که از خارج به کردها کمک نمی‌شود ولی اطلاعاتی به ما رسیده است که به طایفه جاف عراقی‌ها کمک می‌کنند و اسلحه می‌دهند.

با یزدی مشاور امریکا ملاقات کرد ملاقات بهتر از واشنگتن بود. ولی یزدی ادعا می‌کند که ما و اسرائیلی‌ها به کردها کمک می‌کنیم. وقتی حرف ما را قبول نکند مذاکره نتیجه خوبی نمی‌دهد چون اطمینان نیست.

در مورد وسایل یدکی ما هیچ شرط جدیدی نگفته‌ایم شرایط معامله همان است که دو سال پیش هنگام خریداری F ۱۰۴ داشتیم.

در مورد بختیار از تهران به واشنگتن گزارش کردیم که اگر سفارت امریکا در پاریس با هر جای دیگر بخواهد با بختیار تماس داشته باشد مختار است حرف‌های مخالفان را بشنوند ولی نباید جدی مذاکره انجام شود.

در مورد ارتباط شریعتمداری و بختیار سئوال کردم که منبع شما چیست؟ گفت طرفداران بختیار در تهران این مطلب را پراکنده می‌کنند و اگر واقعیت داشته باشد شریعتمداری ضرر خواهد کرد.

این طور شایع است که می‌گویند علت این که بازرگان نتوانسته است به کار ادامه دهد آن است که فهمیده است در مقابل خمینی هیچ قدرتی ندارد و خود را در اختیار او قرار داده است.

باید همه اسناد ساواک و سیا در برابر دادگاهی که میلیونها مردم زحمتکش قاصی آن هستند فاش و افشاء شود

جمعه ۱۴ دی ماه ۱۳۵۸
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه ۵ ضمیمه

ویژه افشای سرمایه‌داران لیبرال دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مطالعه دقیق این "یادداشت ها" از این نظر دارای اهمیت است که تصویر دقیقی از سیاست، شیوه های مورد عمل و مشکلات فعلی امپریالیسم امریکا در ایران و مشخصات دوستان و جاسوسان آن ارائه می دهد

۱۳

نهار وحیدی
۱ آبان

در مورد جلسات روز جمعه در خلق مسلمان گفت عده ای از روحانیون تهران دیروز آمده بودند اینجا و شکایت داشتند که در جلسات خانم های غیر مستوره شرکت می کنند و از صحبت های ایراد می گرفتند. البته من به آنها گفتم اگر نقصی دارد نقایص را باید برطرف کرد ولی به عقیده من نباید کاری کرد که ایجاد اشکال شود. اگر حرف ها را یک ماه یا دو ماه دیگر بشود گفت نباید حالا کاری کنیم که یک ماه یا دو ماه دیگر فرصت به دست نیاوریم. در مورد محاصره اقتصادی مهاباد گفت من به وسیله آقای خوراجی به صباغیان پیام دادم که اگر محاصره اقتصادی طول بکشد آذربایجان محاصره را تحمل نمی کند و مواد مورد احتیاج برای کردستان خواهیم فرستاد.

Tuesday 1 Aban 1358 - 23 October 1979

NOTES:

سه شنبه
۱
آبان
۱ ذیحجه
۲۳ اکتبر
Tuesday
23
October

۱۴

ملاقات با «توم» ۳ آبان

Thursday 3 Aban 1358 - 25 October 1979

NOTES: یادداشت

پنجشنبه
۳
آبان
۳ ذیحجه
۲۵ اکتبر
Thursday
25
October

۱۵

ملاقات با هی آجوا ۶ آبان

۱ـ غرب به توفیق خمینی دیگر امیدی ندارد. و این مطلب از نوشتجات روزنامه های غربی معلوم می شود.

۲ـ کاهش صادرات نفت به دو میلیون بشکه در روز (عده ای می گویند ۱/۹ میلیون بشکه است) با توجه به این که در حدود ۷۰۰ هزار بشکه مصرف داخلی است درآمد ارزی را نقصان می دهد.

۳ـ کاهش به جهات فنی است علل سیاسی ندارد. کارشناسان خارجی رفته اند و آن کارشناسی که می تواند جای خارجیان را بگیرند همکاری نمی کنند.

۴ـ البته درآمد ارزی هنوز پائین نیامده است برای آن که فعلا نفت در بازار آزاد و به نرخ بندر نتردام به فروش می رسد ولی ممکن است در آینده وضع نامساعدتری پیش بیاید.

۵ـ عدم موفقیت سیاسی و بحران اقتصادی ممکن است موجبات تغییر آینده بشود.

Sunday 6 Aban 1358 - 28 October 1979

NOTES: یادداشت

یکشنبه
۶
آبان
۶ ذیحجه
۲۸ اکتبر
Sunday
28
October

۱۶

ملاقات با «پرشت» ۷ آبان

بهشتی منتظری، فروهر و عده‌ای دیگر را دیدم و ملاقات با شما آخرین ملاقات من در ده روزه اقامتم است.

گفتم انقلاب ایران یک انقلاب مردمی است و خمینی مظهر انقلاب است. مخالفت با خمینی نه تنها مفید نیست بلکه اگر برخورد بیگانگان توفیق پیدا کنند که او را برکنار کنند این ضربه را مردم فراموش خواهند کرد.

قبول داریم که هنوز مردم طرفدار امام هستند ولی روشنفکران مخالفند شما آینده را چطور می بینید؟ گفتم واقعیات خود شما را تحمیل می کند. مثلا در آغاز انقلاب همه می گفتند ما ارتش نمی خواهیم ولی حالا همه ارتش قوی صحبت می کنند. روشنفکران موقعیت خود شان را به دست می آورند و تحمیل می کنند و امام هم متوجه اهمیت مطلب خواهد شد.

قانون اساسی خوب مطرح نشد و عملی نیست ولی آن هم تا به عمل راه درازی در پیش دارد و مردم هستند که وضع آینده را بررسی خواهند کرد.

مسئله کردستان مشکل است و من فکر نمی کنم به این زودی حل شود ولی موضوع نهادهای سیاسی تنها مربوط به کردستان نیست شامل همه استان ها می شود.

Monday 7 Aban 1358 - 29 October 1979

NOTES: یادداشت

دوشنبه
۷
آبان
۷ ذیحجه
۲۹ اکتبر
Monday
29
October

۱۷

ملاقات با «پرشت» ۱۰ آبان

پرشت به این خاطر ایران را ترک کرد که وضع اقتصادی روبه بدی است و اوضاع کردستان خوب نیست فکر نمی کنم ما تا شش هفته ای دو ماه دیگر سفیر در ایران داشته باشیم.

۲ـ ما می خواهیم که یک ایران قوی و مستقل باشد که در مقابل پیشروی به طرف خلیج سدی باشد این را به همه مقامات... می گوئیم.

۳ـ ما در اوضاع ایران هیچ مداخله ای نمی خواهیم بکنیم و بسیاری از گروه های سیاسی هستند که با هم در حال رقابت هستند ولی ما با همه آنها نظر خوب داریم که هر کدام موفق شوند از موفقیت آنها استقبال می کنیم. البته اگر روزی برسد که ببینیم حزب توده تحت حمایت شوروی یا گروه دیگری که مستقل است در مبارزه قرار گرفته اند ما از دوستان خود حمایت خواهیم کرد.

۴ـ در مورد شاه گفت قطعا مریض است و سرطان دارد. ولی این که ناچاند ازه ای خطرناک است نمی دانیم. کیسینجر و راکفلر از او حمایت...

۵ـ در مورد پیشنهادم که گفته بودم هر طوری هست امریکا باید با امام رابطه برقرار کند گفت ما این پیشنهاد را فرستاده ایم ولی جواب دریافت نکرده ایم..

۶ـ در مورد کردستان فروهر در مذاکرات هیئت دولت شرکت داشت و سه نفر برای مذاکره تعیین شدند. جمران طرفدار جنوب بود و گفته است با مذاکره کرد ولی اول باید به نهادرسی داد که بدانند قدرت چیست. بازرگان از او حمایت کرده است. بعد فروهر نامه ای به امام می نویسد و پیشنهاد مذاکرات مسالمت آمیز می کند و با دستور امام فروهر به مذاکره کنندگان می پیوندد و چهار نفر می شوند.

۱۸

سند همکاری مقدم مراغه‌ای با آمریکا

اصل سند گزارش ملاقات با رهبر سازمان رادیکال، مقدم مراغه‌ای

۱ـ متن کامل.

۲ـ خلاصه: رهبر جنبش رادیکال، مقدم مراغه‌ای جنبش شاهی با سیاست آمریکا در مورد مسائل داری اظهار داشت وی تاکید کرد که کارگران با جنبش شاهی نگرند که او با جنبش ایرانی‌ها را مساعد کند که دولت آمریکا انقلاب ایران را سرکوب است.

۳ـ مقدم مراغه‌ای عضو جنبش جمهوری در بررسی دلایل اساسی است او طی صحبت‌های گوناگونی که در باره مسائل مختلف در تاریخ ۲۹ مهرماه با شما در ناحیه این سئوال که آمریکا چگونه می‌تواند مسئولیت را با مردم ایران بهبود بخشد گفت، کارگران آمریکا هر چه زودتر باید با جنبش شاهی نگرند.

مقدم دلواپس به نظر می‌رسد که آمریکا از ما چه را کنون هیچگونه تلاشی برای ملاقات نکرده است و تاکید کرد که مشکلات هر قدر باشد باید فوراً تماس‌های ملاقات بکند. مقدم اشاره کرد که اینک شما می‌گویید وقتی شده وقت مناسب هیچوقت دست نخواهد داد. چرا که جنبش اکنون جریح است و کاملا غیر قابل اعتماد و اگر جنبش با آمریکا ملاقات آمریکا را مورد استفاده قرار خواهند داد. خواهند گفت که عدم ملاقات آمریکا با ایران عدم بدرفتار اعلام بوده است و جنبش‌ها آمریکا را مخصر مرگ جنبش خواهند دانست.

[illegible]

اسناد شده و اوضاع را سر و صورت خواهد داد.

مقدم گفت که او با جنبش ولایت فقیه را تایید نکند ولی معتقد است که فقیه باید نقش سیاسی داشته باشد او میگوید دلیل اساسی در ۳ یا ۴ هفته تمام مسعود و در ناحیه سئوال مرحله گفت که او با جنبش در مورد عضو اجتماعی دولت موقت صحبت کرده و جنبش گفته است که در صورت هماهنگ و با تمام نیروی دولت موقت آماده است آنها را دو باره مرور کند او گفت که بازرگان سر تنها جنبش مقاومت را از جنبش کرده بود. او خیال امیدوار است که عضوی در فرقه مذهبی دلیل اساسی داده بود مقدم فکر میکند که با مشکلات اقتصادی در کردستان و نیز سود اوضاع رو افزوده باید اگر سئوال اینکه مخصوص مقدم و نمی‌توان سود اوضاع رو افزوده باید برای دولت نمایند نمی‌رود.

۵ـ مقدم گفت که جنبش‌ها از سرمداری مخالفند و رهبری اسناد میکند در صورتیکه این اسناد با جانب جنبش قدرتمندی از است که سرمداری فعلا نمایند با او بجانبه کند ولی اینه نمی‌خواهد رسید. از نفوذ که آمریکا جنبش مرتد اشاره است.

از مقدم در باره احتمال تغییر در کردستان سئوال شد جواب داد که در شرایط فعلی هیچ امکانی برای موفقیت مذاکرات نیست وجود دارد اگر دولت جنبش اقدامی را ۱۰ ماه تغییر میکرد امکان داشت ولی اکنون دیر شده است او همچگونه پیشنهادی برای تغییر نداشت.

۷ـ در پس صحبت مقدم تاکید میکرد که ملاقات کنندگان بصورتی رسمی و غیر رسمی باید زیاده غیر و رسمی کار کرد [illegible] و قانع کردن ایرانیان در امور مختلف سیاسی [illegible]

یادداشت‌های "مهندس رحمت الله مراغه‌ای" جز این که پاسخ بسیاری از مسائل و پیچیدگی‌هائی را که در زمینه تحلیل موقعیت و شناخت هریک از جریان‌های سیاسی برای سازمان‌های انقلابی مطرح است توضیح می‌دهد، تائیدی است بر صحت سند افشاگری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" که در رابطه با "همکاری رحمت الله مقدم مراغه‌ای با امریکا" انتشار یافته است. ما عین اطلاعیه افشاگری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را برای مرور مجدد خوانندگان در اینجا می‌آوریم.

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه‌داران لیبرال

ویژه دانشآموزان سرمایهداران لیبرال دوستان و جاسوسان امریکا
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سال اول ـ شماره ۴۰ صفحه عرضیمه

مشخصات دوستان و جاسوسان امریکا و سیاست امپریالیسم را بشناسیم

شناختن اجراکنندگان سیاست امپریالیسم وظیفه همه ما است. شناختن و رسوا کردن آنها باعث میشود که دشمن نتواند توطئه های خود را علیه ما اجرا کند. وقتی بدانیم مشخصات دوستان وجاسوسان امپریالیسم امریکا چیست می توانیم آنها را بشناسیم و رسوا کنیم. از روی همین مشخصات بود که ما از ماهها پیش اعلام داشتیم امیرانتظام وامثال او عوامل امپریالیسم امریکا هستند.

این مشخصات به قرار زیراست :

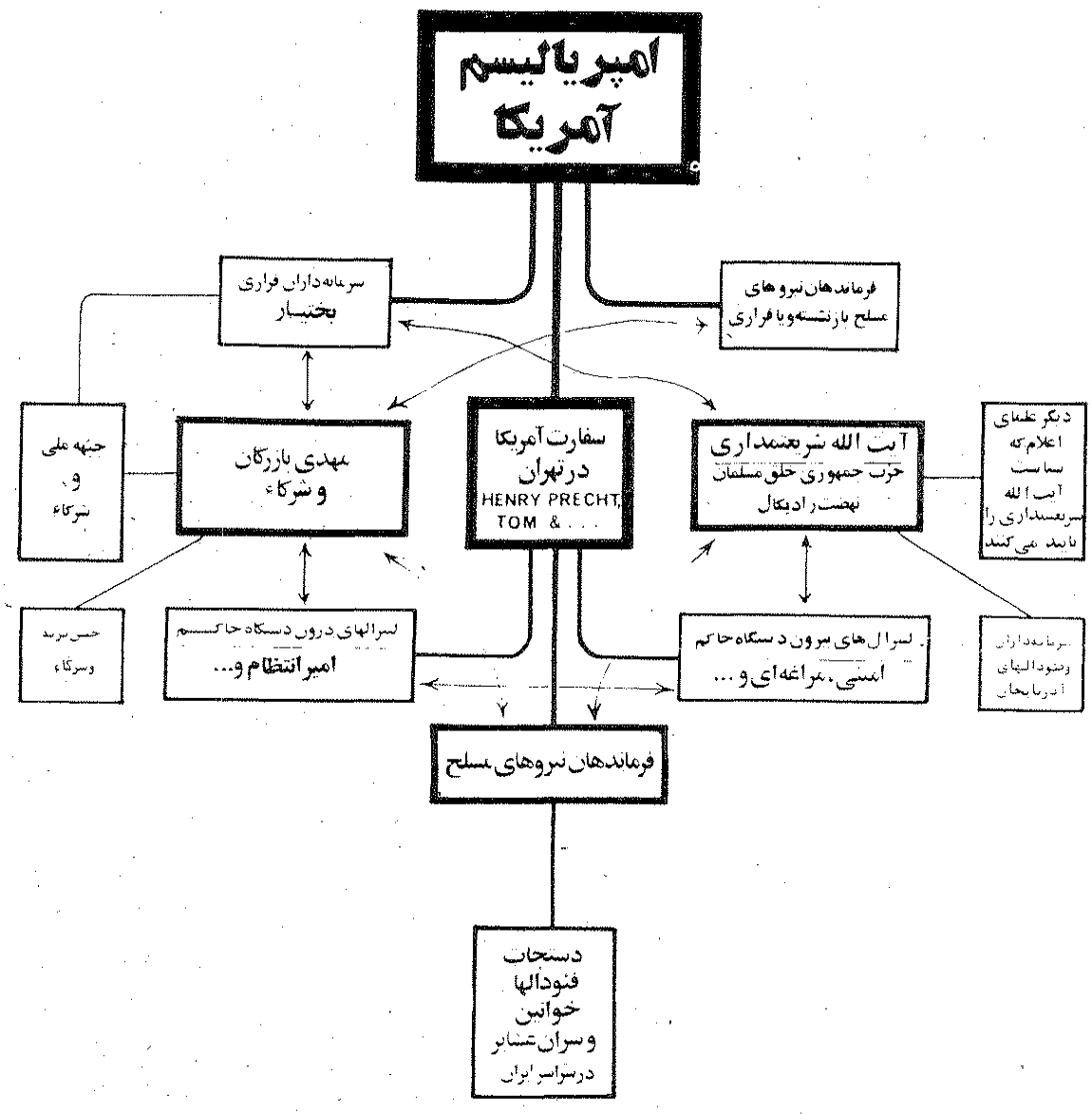

مطالعه یادداشت های مهندس مراغه‌ای نشان می‌دهد امپریالیسم امریکا پس از شاه برای حفظ وابستگی هنای استعماری به قشر معینی از جامعه سرمایه‌داری وابسته ما بیش از دیگران دل‌خوش کرده است ، قشری که امپریالیسم امریکا و مزدورانشان آنها را " روشنفکر " می‌نامند . این قشر که پس از قیام بهمن ماه بیش از همه در دستگاه دولت بازرگان خاخوش کرده است مدیران کارخانجات ، بانکها وشرکت‌های خصوصی ، کارمندان عالیرتبه دولت سابق و فرماندهان ارتش آریامهری رادر برمی‌گیرد . این قشر فعلا تنها امید و آخرین امید خود را بازرگان‌ها و شرکا می‌داند . خلق ما نه تنها هیچ تناری به این اصطلاح تکنوکرات های سرسپرده امپریالیسم وسرمایه‌داری‌ندارد بلکه درست برعکس باید با تمام نیرو به افشای ماهیت این جریان برخیزد وآنان را از صفوف خود براند .

اسناد نشان می‌دهد که امریکا هنوز هم همان طرح " جرج‌بال " که قبل از سقوط شاه تنظیم شده بود ، تعقیب می‌کند و آن تقویت مؤثر احزاب ومحافل سرمایه‌داران لیبرال ، حزب جمهوری خلق مسلمان ، نهضت رادیکال ، نهضت آزادی ، جبهه ملی ، باندهای درون ارتش ، بختیارها و بنی‌احمد ها ، فئودال‌های فارس و بلوچستان و دیگر جاها است ومهم‌تر از همه علماء محافظه‌کار و سازشکار یعنی چیزهائی که در زمان شاه در راس قدرت نبودند که افشا شده باشند . امروز بیش از هر زمان دیگر مورد توجه و عنایت دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا واقع شده‌اند .

امیرانتظام و دیگران کوشیده اند تا از انتلاف تمام این احزاب و محافل که تعداد آنها را حدود ۱۵ گروه و حزب سیاسی برآورد کرده‌اند یک جریان سراسری بورژوا ـ لیبرالی ایجاد کنند که بتواند سیاست امریکا را در ایران پیاده کند . رابطه بختیار با وزارت خارجه امریکا از یک سو و پیوندهای وی با جریان تحت رهبری آیت الله شریعتمداری ، حزب ایران ، جوانبین پارس و بلوچستان در عمان از سوی دیگر و همچنین روابط پنهان و آشکار سران سابق ارتش آریامهری با بختیار و جریان تحت رهبری آیت‌الله شریعتمداری همه و همه گویای توجه امریکا به طرح "جرج‌بال" است .

ما بر مبنای تحلیل افشاگری‌هائی که تاکنون صورت گرفته، واطلاعاتی که مطابق شواهد و مدارک به دست آمده ، شمائی از سیاست امپریالیسم امریکا و شبکه پیچیده‌ای که هم‌اکنون در دل جامعه ما به صورت یک جریان در حال فعالیت است ، ترسیم می‌کنیم تا ذهن هم‌میهنان به صورتی روشن‌تر ، ازحقایق امور مطلع سازیم .

این وظیفه سازمان‌های سیاسی مردمی و مترقی است که خلق ما را ازماهیت این جریان آگاه سازند و توده مردم را از خطری که اکنون خطر عمده برای جنبش ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلق‌های ایران محسوب می‌شود ، مطلع نمایند .

---

۱ آنها در هرکجا و درهر لباسی که باشند همیشه تلاش می‌کنند سازمانهای پلیسی و جاسوسی وادارات ضد اطلاعات را ازنو براه اندازند

۲ آنها تلاش می‌کنند همان ارتش ضد خلقی وسرکوبگر آریامهری راحفظ و احیا نمایند وبرای این کار از فرماندهان جنایت کار ارتش حمایت می‌کنند و به آمریکا سفارش اسلحه ولوازم یدکی می دهند
آنها دشمن سربازان، درجه داران و افسران جزء هستند وپیوسته برعلیه پرسنل انقلابی ارتش توطئه می‌کنند

۳ آنها ضد کمونیست هستند و مدام علیه کمونیست ها و سایر انقلابیون وهمچنین علیه کشورهای سوسیالیستی تبلیغ می‌کنند

۴ آنها وقتی مبارزات ضد امپریالیستی مردم اوج می‌گیرد، تلاش می‌کنند بین مردم تفرقه بیاندازند

۵ آنها دشمن صلح عادلانه درکردستان هستند وسرکوب وکشتار خلق کرد خلق ترکمن ودیگرخلق‌های ستمکش ایران را تبلیغ می‌کنند

۶ آنها با شورای کارگران ،کارمندان، نظامیان واتحادیه‌های دهقانی دشمنی می‌کنند ، آنها هرجا که بتوانند این شوراها واتحادیه ها رامتلاشی می‌کنند

۷ آنها موذیانه مردم را به نرمش و آشتی با آمریکا دعوت می‌کنند ، آنها می‌گویند همه امپریالیستها دشمن مردم نیستند

۸ آنها دشمن آزادی وحقوق دموکراتیک مردم و دشمن آزادی قلم وبیان هستند

۹ آنها برای دشمنان مردم، برای ساواکیها و دیگرجنایتکاران رژیم شاه دل می سوزانند وسعی می‌کنند از افشای نام آنها و مجازاتشان جلوگیری کنند

۱۰ آنها مرتبا به مردم دروغ می‌گویند و تلاش می‌کنند از آگاه شدن مردم و دخالت مردم درامور جلوگیری کنند

افشای امریکائی باید ادامه یابد